

تبیین سبک‌های خراج‌نگاری در تمدن اسلامی تا سال ۶۵۰ هجری

فرشته بوسعیدی* / محمدعلی چلونگر** / اصغر منتظرالقائم***

چکیده

مالیه‌نگاری در فرهنگ و تمدن اسلامی از سده اول مورد توجه مسلمانان واقع گردید. از شاخه‌های فرعی تاریخ‌نگاری مالی، خراج‌نگاری بود. با آغاز فتوح اسلامی یکی از مباحث مطرح درارتباط با فتح سرزمین‌های جدید، پرداخت خراج به عنوان یکی از مهمترین منابع درآمد دولت اسلامی بود. در نتیجه ماموران مالی دستگاه خلافت به تنظیم گزارش‌های مالی و جمع‌آوری و جیایت خراج پرداختند. بدین‌سان خراج‌نگاری در تمدن اسلامی از سده اول شروع شد. با مطالعات انجام شده می‌توان سبک‌های متنوعی در دسته‌بندی کتب تاریخ خراج جستجو کرد، زیرا سیمت نویسندگان، انگیزه‌ها و عوامل نگارش، روش نگارش، محتوا، نوع نگاه نویسندگان به مسائل اقتصادی و مالی متفاوت می‌باشد. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع تاریخ‌نگاری و فهرس و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای به این پرسش اصلی پاسخ داده شده است: سبک‌های اصلی آثار تألیفی مسلمانان در باب خراج تا سال ۶۵۰ هجری چه بوده است؟ فرضیه مقاله چنین است که اصلی‌ترین سبک‌های تألیفی در باب خراج؛ فقهی - سیاسی، فقهی - حدیثی و محلی - جغرافیایی بوده است.

واژگان کلیدی

مالیه‌نگاری، خراج، خراج‌نگاری، سبک، تمدن اسلامی.

*. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان و مدرس دروس معارف اسلامی. fboosaidi@yahoo.com
**. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. m.chelongar@yahoo.com
***. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان و مدرس دروس معارف اسلامی. montazer5337@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۶

طرح مسئله

دگرگونی‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در شکل‌گیری و رشد مکاتب تاریخ‌نگاری، تأثیرگذار بوده است. تاریخ‌نگاری مالی و اقتصادی نیز در کنار تاریخ‌نگاری سیره و مغازی، فتوح، تسمیه‌نگاری، نسب‌نگاری و تاریخ محلی از سده اول مورد توجه واقع گردید. تاریخ‌نگاری مالیه را می‌توان سنجی از تاریخ‌نگاری دانست که بررسی بخشی از کنش‌های انسانی را - که در راستای تأمین معیشت او صورت گرفته است - مورد مطالعه قرار می‌دهد و نظر به سهم ملموس‌تر اقتصاد در زندگی انسان و برجستگی بیشتر کنش‌های اقتصادی انسان‌ها، این بخش از حیات جمعی انسان، برجسته‌تر بوده و لذا طبیعی است که مورد اهتمام بیشتر مورخین قرار گیرد.^۱

تاریخ‌نگاری اسلامی نیز با تنوع و گستره موضوعی خاص خویش، جوانب مختلفی را دربر می‌گرفت که آگاهانه یا ناآگاهانه به وجوه اقتصادی نیز می‌پرداخت.^۲ با آغاز فتوح اسلامی در قرون اولیه، یکی از مباحثی که در ارتباط با فتح سرزمین‌های جدید مطرح شد، مسئله پرداخت خراج بود که به عنوان یکی از مهمترین منابع درآمد دولت اسلامی، مورد توجه خلفا و کارگزاران آنان بود. به همین سبب مأموران مالی دستگاه خلافت به تنظیم گزارش‌های مالی و جمع‌آوری و مالیات گرفتن پرداختند. بدین سان خراج‌نگاری در تمدن اسلامی از سده اول شروع و در سده‌های بعد - به ویژه در سده چهارم - توسعه یافت.

با رشد و شکوفایی تمدن اسلامی در سده‌های نخست، نویسندگان مسلمان، تک‌نگاری‌های بسیاری را با موضوعات مالی و اقتصادی، تحت عناوینی همچون: اسواق (بازارها)، اموال، جزیه، دینار و درهم، صدقات، زکات، خمس، اسعار (نرخها) و مانند آن را به نگارش درآوردند. در باب خراج‌نگاری - به عنوان یکی از سبک‌های نگارش‌های مالی - نیز آثاری به صورت تک‌نگاری به نگارش درآمد که از جمله این آثار می‌توان به: *الخروج* قاضی ابویوسف (۱۸۲ ق)، *خراج خراسان* حفص بن منصور (۲۰۰ - ۱۸۰ ق)، *الخروج* یحیی بن آدم (۲۰۳ ق)، *الخروج* هیشم بن عدی (۲۰۷ ق)، *دواوین الخراج* عباد بن عباس (۳۳۵ ق) و *الخروج* قدامه بن جعفر (۳۳۷ ق) اشاره کرد. البته تدوین آثار در باب خراج تنها منحصر به تألیف تک‌نگاری‌هایی با عنوان «الخروج» نمی‌شده است چرا که بحث در باب مسئله خراج را می‌توان در ضمن کتب تاریخی از جمله *فتوح البلدان* بلاذری مشاهده کرد. بلاذری ضمن پرداختن به فتح مناطق مفتوحه، به مسئله خراج و مقدار آن در این مناطق و احکام مربوط به

۱. رضوی، «درآمدی بر تاریخ‌نگاری اقتصادی»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ص ۹۴.

۲. همان، ص ۱۱۳.

زمین‌های خراج نیز پرداخته است.^۱ اکنون باید دید که با توجه به تعدد تألیف تک‌نگاری‌های تدوین شده در باب خراج، آیا می‌توان سبک‌های^۲ مختلفی را در ارتباط با خراج‌نگاریها در نظر گرفت؟

پیشینه تحقیق

در باب خراج تاکنون تحقیقات سودمند و زیادی انجام شده است. از جامع‌ترین آثار در این باب، *خراج و نظام‌های مالی دولت اسلامی* نوشته ضیاء‌الدین ال‌ریس،^۳ *الخراج فی العراق فی العهود الاسلامیة الاولى* از صالح احمد العلی،^۴ *تاریخ العراق الاقتصادي فی القرن الرابع الهجری*،^۵ *مقدمه فی التاریخ الاقتصادي العربی*^۶ و کتاب *العصر العباسی الاول: دراسة فی التاریخ السیاسی و الاداری و المالی* از عبدالعزیز الدوری،^۷ کتاب *kharaj in Islamic Law* از مدرسی طباطبائی،^۸ *خراج از آغاز فتوح اسلامی تا میانه قرن سوم هجری* تألیف غیداء خزنه کاتبی^۹ و بسیاری از آثار دیگر می‌باشد. توجه این آثار بیشتر معطوف به بررسی مسئله تاریخی خراج در ادوار مختلف بوده است. اما آنچه در تحقیق پیش‌رو از خراج مدنظر می‌باشد، منابع تاریخ‌نگاری خراج است که در ارتباط با این موضوع، نویسندگان معاصر دو دسته از منابع تاریخی و فقهی را مورد توجه قرار داده‌اند. در میان پژوهشگران معاصر، مدرسی طباطبائی در کتاب *زمین در فقه اسلامی*، بحث مفصلی در باب خراج ارائه می‌دهد. وی در ضمن بررسی وضع حقوقی نظام مالیات ارضی اسلامی، به معرفی برخی از تک‌نگاری‌های تاریخی و فقهی مسلمانان در باب خراج پرداخته است. هدف نویسنده در این کتاب بحث احکام و مسائل فقهی خراج می‌باشد نه بحث در باب منابع تاریخ‌نگاری خراج.^{۱۰} حسین عزیزی نیز در کتاب *نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح*، ضمن بررسی منابع فتوح اسلامی، از *الخراج* ابویوسف و یحیی بن آدم

۱. بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۶۵، ۷۲، ۸۱، ۸۲، ۸۶، ۱۲۷، ۱۲۹ و ...

۲. با توجه به شخصیت و سبک نویسندگان آثار خراجی، انگیزه‌ها و عوامل نگارش، منابع و اسناد نویسندگان، روش نگارش، محتوا و نوع نگاه نویسندگان به مسائل اقتصادی و مالی، می‌توان سبک‌های متنوعی در دسته‌بندی کتب تاریخ خراج جستجو کرد.

۳. ال‌ریس، *خراج و نظام‌های مالی دولت اسلامی*، ص ۵۳۶ - ۲۳.

۴. العلی، *الخراج فی العراق فی العهود الاسلامیة الاولى*، ص ۳۵۰ - ۶۹.

۵. الدوری، *تاریخ العراق الاقتصادي فی القرن الرابع الهجری*، ص ۱۹۷ - ۱۷۵.

۶. همان، *مقدمه فی التاریخ الاقتصادي العربی*، ص ۶۲ - ۲۳.

۷. همان، *العصر العباسی الاول: دراسة فی التاریخ السیاسی و الاداری و المالی*، ص ۲۱۶ - ۲۰۵.

8. Tabatabai, *kharaj in Islamic Law*, 2 - 3, 45.

۹. کاتبی، *خراج از آغاز فتوحات اسلامی تا میانه قرن سوم هجری*، ص ۴۶۰ - ۸۷.

۱۰. مدرسی طباطبائی، *زمین در فقه اسلامی*، ج ۲، ص ۲۸۱ - ۲۷۳.

نام برده است.^۱ هدف نویسنده معرفی این آثار به عنوان منابع فقهی - حدیثی در باب فتوح می باشد و نه بحث در خصوص مسائل مالی. آئینه‌وند نیز در کتاب *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی* شماری از منابع تاریخ‌نگاری خراج را ذیل عنوان خراج و حسب‌نگاری، آورده است.^۲

ابوالفضل شکوری نیز در کتاب *درآمدی بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مسلمانان*، در باب تاریخ مالیه و مسائل اقتصادی، به معرفی برخی از آثار تاریخ‌نگاری خراج توجه داشته است.^۳ همچنین اجتهادی در کتاب *وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان* ضمن شرح مفصلی درباره وضع مالی مسلمانان، به مسئله خراج، مالیات بر اراضی و سابقه تاریخی آن پرداخته است،^۴ وی در قسمت مقدمه به معرفی برخی منابع و مآخذ مالی مسلمانان پرداخته است اما به صورت تخصصی به تاریخ‌نگاری مالی وارد نشده است.^۵ در میان مقالات به نگارش درآمده نیز یاسر عبدالکریم الحورانی در مقاله‌ای با عنوان «منابع میراث اقتصادی اسلام» ضمن معرفی فهرست‌وار آثار مسلمانان در باب اقتصاد، به معرفی برخی آثار تاریخی و فقهی خراج پرداخته است.^۶ علی صفری آق‌قلعه نیز در تحقیقی در خصوص بررسی کتابشناسانه آثار استیفاء در دوره اسلامی، به معرفی تعدادی از آثار تاریخی و فقهی در باب خراج پرداخته است.^۷ به غیر از منابع فوق، آثار زیادی به صورت کتاب و مقاله همچون: کتاب *Agriculture in Iraq During the 3rd century A. H* از حسام‌الدین سامرائی، کتاب *Uber Das Einnahmebudget Des Abbasiden Reiches* از کرمر، *الجزیه و الاسلام* از دنت و پژوهش *Islamic Taxation in the classic Period With Special Reference to Circumstances in Iraq* از لوکگارد و بسیاری از تحقیقات دیگر، به بحث تاریخی و منابع تاریخ‌نگاری خراج پرداخته‌اند که جهت جلوگیری از اطاله مطالب، از توضیحات آنها خودداری می‌شود. باید توجه داشت که آثار فوق به معرفی صرف تک‌نگاری‌های خراج بسنده کرده‌اند، اما این پژوهش با نگاهی متفاوت از تحقیقات قبل و مراجعه به متون تاریخی،

۱. عزیزی، نقد و بررسی منابع تاریخ فتوح، ص ۱۲۲ - ۱۱۵.

۲. آئینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ص ۲۱۹ - ۲۱۸.

۳. شکوری، درآمدی بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مسلمانان، ص ۱۱۶ - ۱۱۵.

۴. اجتهادی، وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان، ص ۲۵۳ - ۲۱۵.

۵. همان، ص ۲۴ - ۱۵.

۶. الحورانی، منابع میراث اقتصادی اسلام، ص ۱۸۶ - ۱۸۴.

۷. صفری آق‌قلعه، «بررسی کتابشناسانه آثار استیفاء در دوره اسلامی»، *پیام بهارستان وی‌ژده‌نامه مالی و اقتصاد*، ش ۱، ص ۳۲ - ۱۶.

به انواع سبک‌های خراج‌نگاری پرداخته و در ارتباط با هریک از این سبک‌ها، به‌طور مجزا رویکردها، اهداف نویسندگان، روش نگارش، محتوا و کاربرد تاریخی و فقهی این آثار را مورد بررسی قرار می‌دهد.

خراج

واژه خراج در قرآن فقط یک‌بار به‌کار رفته است: «أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَجَ رَبُّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»^۱ منظور از خراج در این آیه معنای عام لغوی خراج، یعنی اعطای مال و پاداش تفسیر شده است.^۲ در حدیث نبوی نیز این سخن از رسول‌الله ﷺ در زمان ساخت بازاری در مدینه نقل شده است که فرمود: این بازار شما است، در این بازار خراجی بر شما نیست.^۳

خراج در اینجا به معنی اجاره‌بها و مالیات آمده است. خراج در منابع فقهی نیز اصطلاحاً به معنای مالیاتی است که به اصل زمین، تعلق می‌گیرد. فقها در برخی اقسام زمین، به‌ویژه زمین‌هایی که با جنگ فتح شده و زمین‌هایی که بر پایه مصالحه مسلمانان با کفار در مالکیت مسلمانان درآمده است، پرداخت خراج را ضروری دانسته‌اند.^۴

علل و زمینه‌های نگارش خراج‌نگاری اسلامی

مهمترین زمینه‌های شکل‌گیری خراج‌نگاری در تاریخ‌نگاری اسلامی عبارتند از:

۱. فتوح و مسائل پیش‌رو: با آغاز دوران فتوح، یکی از مسائل مهمی که در ارتباط با مناطق مفتوحه مطرح می‌شد، پرداخت خراج به‌عنوان یکی از منابع مالی دولت اسلامی بود. به تبع این مسئله، مسلمانان جهت اداره بهتر سرزمین‌های مفتوحه، با مشکلاتی از جمله: چگونگی اخذ خراج، مقدار آن، تشخیص و مساحی زمین‌های خراجی و مانند آن مواجه بودند. بنابراین عامل، مسلمانان بر آن شدند تا قواعد مالی و اقتصادی جدیدی در باب خراج را در قالب آثار مکتوب تدوین کنند. تا جایی که خلفا و حاکمان از کاتبان و وزیران درخواست تألیف آثاری در این باب را داشتند. برای نمونه می‌توان به کتاب *الخراج* معاویه بن عبیدالله برای مهدی عباسی،^۵ *دواوین الخراج* عمر بن مطرف

۱. مؤمنون (۲۳): ۷۲.

۲. طبری، *جامع البیان*، ص ۱۹ و ۵۸.

۳. بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۲۴.

۴. ابویوسف، *الخراج*، ص ۲۳؛ ماوردی، *احکام السلطنه*، ص ۱۴۷ - ۱۴۶.

۵. قدامه، *الخراج*، ص ۲۲۲.

برای یحیی بن خالد برمکی^۱ و *دواوین الخراج* عباد بن عباس برای حاکم قم، اشاره کرد.^۲ در نتیجه فتوح به‌عنوان یک عامل زیربنایی در به وجود آمدن مسئله خراج در میان مسلمانان شد و متعاقب آن نیز بحث سیاسی و حکومتی بودن به‌عنوان یکی از منابع مالی دولت اسلامی، باعث رویکرد حاکمیت و به تبع آن کاتبان و فقها به بحث خراج و تدوین آثار در باب آن شد.

۲. نیازهای تقنینی و سیاسی: در سرزمین‌های بزرگ اسلامی «مملکه الاسلام» همواره فقیهان و حاکمان به‌عنوان دو نهاد تقنینی و اجرائی، نیاز مبرم به شناخت سیره نبوی و صحابه به‌عنوان دومین منبع قانونگذاری اسلامی داشتند. لذا سلوک سیاسی و سیره پیامبر ﷺ و خلفای نخستین، در سرزمین‌ها و شهرهای فتح شده، در باب مسائل گوناگون جهاد و تعامل با اهل کتاب، مسائل خراج و مالیات و نظام مالی، اساس فقه سیاسی گردید. نیز آنان مجبور به شناخت شئون فتوح از نظر صلح‌آمیز یا قهرآمیز بودن آنها بودند تا سیاست و رویه مناسب در خصوص مقررات مالی این سرزمین‌ها اتخاذ گردد.^۳ برای اجرای این وظیفه دو گروه به تکاپو افتادند:

۱. کاتبان دربار: به‌عنوان کسانی که نقش مدیریت را بر عهده داشتند و بر حسب وظیفه ملزم به رتق و فتق امور اقتصادی و اجتماعی بودند؛ از جمله این کاتبان می‌توان به حفصویه،^۴ معاویه بن عبیدالله،^۵ عمر بن مطرف^۶ و أحمد بن اسرائیل^۷ اشاره کرد.

۲. فقیها و قاضیان: که از آنها انتظار بیشتری می‌رفت که سیره و تاریخ پیامبر ﷺ و صحابه را چنان که باید درست بشناسند و بشناسانند. چنین ضرورتی، آنان را همزمان به دو نقطه مهم متوجه و درگیر ساخت: فقه و تاریخی که می‌توانست به پشتیبانی آن برخیزد. از این رو بخش بزرگی از روایات خراج را فقیهانی چون: ابویوسف،^۸ یحیی بن آدم،^۹ حسن بن زیاد^{۱۰} و عمرو بن بحر^{۱۱} نقل کرده‌اند و

۱. جهشیاری، *الوزراء و الكتاب*، ص ۲۸۱؛ صابی، *رسوم دارالخلافه*، ص ۲۸.

۲. طهرانی، *الدريعه*، ج ۴، ص ۲۸۳.

۳. عزیزی، *نقد و بررسی منابع تاریخ فتوح*، ص ۷۰.

۴. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۲۳.

۵. ابن طقطقی، *الفخری فی الآداب السلطانية*، ص ۱۸۰؛ ابن الفوطی، *مجمع الآداب فی معجم الألقاب*، ج ۲، ص ۴۸۱.

۶. حموی، *معجم الأديباء*، ج ۴، ص ۴۷۲.

۷. ابن عساکر، *تاریخ دمشق*، ج ۷۱، ص ۳۷.

۸. بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۶۵، ۶۶، ۸۱، ۸۲ و ...

۹. ابن شبه، *تاریخ المدینه*، ج ۱، ص ۱۸۵؛ همان، ج ۲، ص ۴۸۸؛ همان، ج ۳، ص ۱۱۴؛ همان، ج ۴، ص ۱۲۶۴ و ...

بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۲۰، ۳۱، ۳۴، ۶۵ و ...

۱۰. ابن رجب، *الاستخراج لاحکام الخراج*، ص ۱۰، ۱۴، ۱۰۶ و ۱۱۴.

۱۱. حموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۱۴۱؛ مقریزی، *المواظف والاعتبار*، ج ۳، ص ۲۱۸.

از آنها به‌عنوان نخستین خراج‌نگاران یاد می‌شود. پس از آنها نیز کتاب‌های خراج به وسیله کاتبان مُتَفَقَّه، مانند قدامه^۱ تدوین می‌شود. می‌توان گفت تمایز اساسی روایات امثال قدامه در قیاس با روایات طبری، در کاربردی و فقهی بودن بسیاری از آنهاست.

افزون بر این، چنان انگیزه‌هایی را می‌توان به صراحت در کلام فقیهان یافت. ابویوسف از انگیزه تدوین کتاب *الخراج*، که همان پاسخ به پرسش‌های هارون الرشید باشد، یاد می‌کند.^۲ در این کتاب ابویوسف به جواب سؤالات هارون الرشید در موضوع خراج، تعیین خراج، وضع خراج توسط عمر، خراج زمین‌های بئر و دائر، مودیان و آخذان خراج و خراج زمین‌های سواد پرداخته است.^۳

۳. علم‌الاجبار و خبرنگاری: بی‌تردید، خراج‌نگاری از مصادیق خبرنگاری و اخبارنویسی است. با توجه به کاربردهای پرشمار واژه اخبار و اخباری در فهرست ابن‌ندیم،^۴ نمی‌توان تردید کرد که مفهوم اصطلاح اخباری و علم‌الاجبار چیزی جز مفهوم مورخ و تاریخ نیست. حموی نیز در *معجم‌الادباء*^۵ گزارش‌هایی آورده است که در آنها واژه اخبار و علم‌الاجبار در سخنان معاویه و عبدالملک بن مروان و نیز در اوایل قرن دوم در کلمات عبدالله بن مقفع، به معنی تاریخ و علم تاریخ به کار رفته است. بنابراین خبرنگاری نوع خاصی از تاریخ‌نگاری در برابر انواع دیگر نیست. بلکه دقیقاً مترادف با تاریخ‌نگاری است. در نتیجه همه کسانی که در تاریخ پیامبران پیشین، دوران عرب قدیم، سیره و معازی پیامبر ﷺ، تاریخ سیاسی خلفا، تاریخ ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام، تاریخ و تراجم صحابه و تابعین، تاریخ طبقات محدثان و دانشمندان به تحقیق و تدوین پرداخته‌اند، از اخبارنویسان به‌شمار می‌روند.^۶ مباحث مالی و اقتصادی به‌ویژه مباحث خراج نیز به‌عنوان یکی از موضوعات نگارش تاریخ، مورد توجه اخبارنویسانی همچون: هشام بن عدی،^۷ محمد بن بحر^۸ و محمد بن سهل^۹ بوده است.

در باب علل و زمینه‌های تدوین آثار در باب خراج، به جرأت می‌توان گفت که در واقع فتوح به‌عنوان یک عامل مهم سیاسی، بن‌مایه و ریشه اصلی مسائل مالی مطرح شده در تمام منابع خراجی

۱. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۱۴.

۲. ابویوسف، *الخراج*، ص ۳.

۳. همان، ص ۶۹ - ۲۳.

۴. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۱۶۱، ۲۰۹، ۲۴۷، ۳۴۶ و ...

۵. حموی، *معجم‌الادباء*، ص ۶۰ - ۵۷.

۶. عزیزی، *نقد و بررسی منابع تاریخ فتوح*، ص ۸۰ - ۷۹.

۷. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۱۶۷.

۸. ابن‌شهر آشوب، *معالم‌العلماء*، ص ۸۵.

۹. مقریزی، *المواعظ والاعتبار*، ج ۱، ص ۳۴۷.

مسلمانان بوده و در واقع این فتوح بوده است که به تبع آن، توجه به مسائل تقنینی و سیاسی و رویکرد خبرنگاری و اخبارنویسی مورخان مسلمان به مسئله خراج، به عنوان عوامل مهم در ارتباط با فتوح، باعث شد تا سه قشر از نویسندگان مسلمان (کاتبان و وزیران، فقها، مورخان) آثاری را در باب خراج تدوین نمایند. به همین دلیل یکی از مسائل مهم مطرح شده در تمام خراج‌نگاری‌ها، بحث در مورد فتوح می‌باشد.

سبک‌های خراج‌نگاری

گونه‌شناسی منابع خراج، بخشی از گونه‌شناسی منابع تاریخ است. در باب خراج با توجه به تعدد آثار نگارشی و با مطالعات انجام شده در باب تک‌نگاری‌های به نگارش درآمده، می‌توان سبک‌های متنوعی در دسته‌بندی کتب تاریخ خراج جستجو کرد، زیرا شخصیت و سیمت نویسندگان، انگیزه‌ها و عوامل نگارش، منابع و اسناد نویسندگان، روش نگارش، محتوا و نوع نگاه نویسندگان به مسائل اقتصادی و مالی بسیار متفاوت می‌باشد. از این‌رو می‌توان در خراج‌نگاری سه نوع نگرش و دیدگاه اساسی را مورد توجه قرار داد: دیدگاه فقهی - سیاسی، دیدگاه فقهی - حدیثی و دیدگاه محلی - جغرافیایی. بر این اساس، می‌توان منابع خراج را به سه سبک تقسیم کرد: خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی، خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی، خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی.

یک. خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی

این‌گونه خراج‌نگاری‌ها به حسب موضوع خود، شاخه‌ای از تاریخ‌نگاری فقهی - سیاسی است که ارتباط نزدیکی با فتوح، مغازی و دانش فقه دارد. با توجه به جدول مربوط به خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی، نقطه آغاز تألیف این آثار، سده اول و توسط حفصویه (۲ - ۱ ق) بوده^۱ و تا نیمه دوم سده ششم هجری تداوم یافته است. اوج نگارش این آثار، سده چهارم هجری بوده است. بیشتر آثار تألیفی در باب خراج، در این سبک خراج‌نگاری جای می‌گیرد و این نشان از اهمیت خراج به عنوان یک مسئله سیاسی و حکومتی دارد. بر اساس تحقیقات به عمل آمده ۲۲ نفر از مسلمانان در سیمت کاتب و وزیر دست به نگارش این آثار زده‌اند.

رویکرد نویسندگان این آثار: آنچه در روشن‌ساختن نوع رویکرد نویسندگان این آثار مؤثر است، توجه به سیمت و شرایط نویسندگان این آثار می‌باشد. همان‌طور که بیان شد، مولفان خراج‌نگاری‌های

۱. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۲۳.

فقهی - سیاسی، در منصب کاتب و وزیر در دیوان خراج به ایفای نقش سیاسی پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال عمر بن مطرف مسئولیت دیوان خراج هارون الرشید را بر عهده داشته است،^۱ حامد بن عباس متولی خراج واسط بوده است^۲ و اسحاق بن شریح از صاحب منصبان دیوان خراج بوده است.^۳ به همین دلیل کاتبان و وزیران با رویکردی سیاسی - اجرائی دست به تألیف این آثار زده‌اند. در باب خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی باید به این نکته نیز توجه داشت که هرچند نویسندگان این آثار از صاحب منصبان سیاسی بوده‌اند ولی در تدوین این آثار رویکرد فقهی نیز داشته‌اند. به‌عنوان مثال معاویه بن عبیدالله در سمت کاتب، کتابی به نام *الخراج* تدوین می‌کند که گفته شده در آن احکام شرعی و دقائق و قواعد خراج را بیان کرده است.^۴ همچنین علی بن قاضی در منصب کاتب دربار، کتابی با عنوان *المنهاج فی احکام خراج*^۵ داشته است و همانطور که از نام کتاب مشخص است، نویسنده رویکرد فقهی نسبت به مسئله خراج داشته است.

روش نگارش این آثار: در مورد روش تألیف خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی نیاز به تأمل بیشتری احساس می‌شود. با توجه به جستجوی‌های صورت گرفته، دسته‌بندی جامعی در خصوص روش نگارش این آثار در دست نیست. اما با مراجعه به کتب موجود - از جمله *خراج* قدامه، *دواوین الخراج* عمر بن مطرف که نسخه کامل آن در *الوزراء و الكتاب*^۶ و مقدمه *العبر آمده*^۷ و نیز کتاب *المنهاج فی احکام الخراج* علی بن قاضی که به‌عنوان کاتب دست به نگارش این آثار زده‌اند - می‌توان سبک نگارش این آثار را توصیفی و غیراسنادی، نزدیک به سبک نگارش کتاب‌های دیوان‌سالاری و وزراء دانست.

هدف از نگارش این آثار: اهداف نهایی نگارندگان تمام خراج‌نگاری‌ها، پاسخ به مسائل مالی و اقتصادی مسلمانان در ارتباط با مسئله خراج بوده است ولی هر کدام از این نویسندگان، اهداف میانی دیگری از تألیف این آثار داشته‌اند. هدف کاتبان و وزیران به‌عنوان مؤلفان خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی، جنبه عملی و کاربردی این آثار برای عاملان خراج و ارائه راهکارهای فقهی و اداری برای حکام و فرمانروایان بوده است. از این روی می‌توان گفت که این رساله‌ها به مثابه توضیح‌المسائل‌های

۱. جهشیاری، *الوزراء و الكتاب*، ص ۲۸۱؛ صابی، *رسوم دارالخلافة*، ص ۲۸.

۲. الصفدی، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۱، ص ۲۱۲ - ۲۱۱؛ ذهبی، *تاریخ الإسلام*، ج ۷، ص ۲۳۵.

۳. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۱۶.

۴. ابن طقطقی، *الفخری فی الآداب السلطانیة*، ص ۱۸۰؛ ابن الفوطی، *مجمع الآداب فی معجم الألقاب*، ج ۲، ص ۴۸۱.

۵. همان، ج ۶، ص ۵۶۹؛ مقریزی، *المواعظ والاعتبار*، ج ۴، ص ۳۵۴.

۶. جهشیاری، *الوزراء و الكتاب*، ص ۲۸۸ - ۲۸۱.

۷. ابن خلدون، *دیوان المبتدا والخبر*، ص ۲۲۶ - ۲۲۴.

امروزی در خصوص خراج و مالیه دولت اسلامی بوده و از هرگونه مبحث علمی و گفتگو و نقد و ذکر دلایل تفصیلی به دور بوده است. به عبارت دیگر، این نوع مطالعات را می‌توان از طیف مطالعات کاربردی دانست. پس جنبه عملی این آثار بر جنبه علمی آنها غلبه داشته است. نمونه بارز این تألیفات، به آثار مربوط به عمر بن مطرف، حامد بن عباس و عباد بن عباس اشاره کرد. عمر بن مطرف در زمان هارون الرشید مسئولیت دیوان خراج را بر عهده گرفته و به دستور یحیی بن خالد برمکی در سال ۱۷۹ ق اثر خود را تحریر می‌کند و در آن خراج جمیع نواحی قلمرو حکومت عباسی، اعم از پرداخت‌های نقدی و جنسی را ذکر می‌کند.^۱ حامد بن عباس نیز وزیر مقتدر و متولی خراج، واسط بوده است.^۲ وی نیز به‌عنوان وزیر دربار و متولی خراج این اثر را با جنبه کاربردی و جهت اداره بهتر دیوان حکومتی خراج و منبعی جهت راهنمایی والیان خراج تدوین نموده است. عباد بن عباس، وزیر و کاتب رکن‌الدوله بویه‌ای از طرف وی به‌عنوان عامل به قم فرستاده شده است. ابوالحسن وقتی وارد قم شد، کتابی تحت عنوان *دواوین الخراج* را به صورت دستور و قانونی جهت خراج و ضرائب به نگارش درآورد که در آن، والیان خراج را از ظلم و تعدی بازداشته و به عدل و انصاف راهنمایی کرده است.^۳

محتوای این آثار: به‌جز چند اثر انگشت‌شمار، از دیگر تألیفات در این باب اثری برجای نمانده است. اما با توجه به آثار برجای مانده و نیز روایات نقل شده در آثار تاریخی و فقهی، می‌توان گفت که هرچند نویسندگان این آثار از عنوان عام خراج برای کتاب‌هایشان استفاده کرده‌اند، و در ظاهر از عنوان کتاب به نظر می‌رسد که جنبه تک‌نگاری در باب خراج را داشته باشند، با مراجعه به کتب باقی مانده، درمی‌یابیم که محتوای این آثار تنها منحصر به موضوع خراج نبوده است. به‌عنوان مثال *خواجه* قدامه به‌عنوان یک اثر فقهی - سیاسی در نه منزل تدوین شده است.^۴ متأسفانه از منزل نهم اثری برجای نمانده و نیمی از اصل کتاب نیز - از منزل اول تا چهارم - از بین رفته است و تنها چهار منزل یعنی منزل ۸ - ۵ باقی مانده است. منزل پنجم شامل یازده باب در مورد دیوان‌های الجیش، النفقات، بیت‌المال، الرسائل، التوقیع، الدار، الخاتم، الفض، دارالضرب، المظالم، کتابت شرطه و الاحداث و برید^۵ می‌باشد. منزل ششم در هفت باب است و به امور مربوط به زمین از جمله مساحت، دریاها، جزایر، کوه‌ها،

۱. جهشیاری، *الوزراء و الكتاب*، ص ۲۸۱؛ صابی، *رسوم دارالخلافه*، ص ۲۸.

۲. الصفدی، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۱، ص ۲۱۲ - ۲۱۱؛ ذهبی، *تاریخ الإسلام*، ج ۷، ص ۲۳۵.

۳. طهرانی، *الدریعه*، ج ۴، ص ۲۸۳.

۴. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۱۴؛ الذهبی، *تاریخ الإسلام*، ج ۲۳، ص ۳۲۵.

۵. قدامه، *الخراج*، ص ۷۷ - ۲۱.

رودها و چشمه‌ها، ممالک اسلامی و حدود و ثغور آنها^۱ پرداخته است. منزل هفتم در نوزده باب، مباحث مربوط به خراج^۲ را مطرح کرده است و منزل هشتم نیز در دوازده باب، به بیان برخی از احتیاجات انسان از جمله نیاز به پوشاک، تولید نسل، اجتماع، طلا، نقره و معامله با آنها، دولت و علم سیاست پرداخته و در ادامه، صفات و ویژگی‌های رهبر جامعه از قبیل عقل، علم، راستگویی و ... را توضیح داده است.^۳

محتوای کتاب *المنهاج فی احکام الخراج* علی بن قاضی نیز به‌عنوان یک کاتب، تنها منحصر به خراج نبوده است بلکه به دیگر مسائل مالی همچون مالیات بر تجارت خارجی، جبايت مُکوس، جزیه، قوانین دارالضرب و نیز ذکر مناطق جغرافیایی توجه داشته است.^۴ همان‌طور که واضح است محتوای این دو اثر برجای مانده تنها منحصر به بحث خراج نبوده و مسائل مالی و جغرافیایی را نیز دربرداشته‌اند. با توجه به ارتباط بین مسئله خراج با فتوح و مناطق مختلف جغرافیایی، محتوای دیگر آثار نگارشی نیز تنها منحصر به بحث خراج نبوده است بلکه همانند این دو اثر شامل فتوح، انواع خراج، نظام خراج‌ستانی، مسائل مالی مختلف دیگر و ذکر مناطق مختلف جغرافیایی می‌باشد.

کاربرد این آثار: اکثر این آثار توسط کاتبان و وزیران و به درخواست حاکمان به نگارش درآمده‌اند. در نتیجه اهتمام نویسندگان فوق به اتقان سندی و محتوایی، موجب شده است که این آثار عاری از تمایلات سیاسی و قبیله‌ای باشند و به تبع، این امر نشان از اعتبار این آثار دارد. به سبب همین اعتبار، این آثار به‌عنوان منبع ارجاعی توسط نویسندگان بعدی در کتب مالی، فقهی و حدیثی، تواریخ عمومی، جغرافیایی و فتوح مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در بحث خراج، با توجه به گستردگی تدوین آثار در این باب توسط کاتبان و وزیران و با توجه به اینکه محتوای این آثار، مسائلی همچون فتوح، مناطق جغرافیایی و بحث‌های مالی مختلف - از جمله خراج، خمس، جزیه و زکات و ... - را دربرداشته مورد استناد نویسندگان بعد قرار گرفته است. به‌عنوان مثال قدامه از رساله *خراج معاویة بن عبیدالله* در اثرش نقل روایت کرده است.^۵ *دواوین الخراج* عمر بن مطرف، در باب تعیین میزان خراج نواحی مختلف تحت نفوذ خلافت عباسی، مورد استناد جهشیاری در *الوزراء و الکتاب* بوده و وی

۱. همان، ص ۱۸۵ - ۱۳۲.

۲. همان، ص ۲۵۶ - ۲۰۲.

۳. همان، ص ۴۸۰ - ۴۲۵.

۴. مخزومی، *المنهاج فی احکام خراج مصر*، ص ۶۳ - ۱۳.

۵. قدامه، *الخراج*، ص ۲۲۲.

نسخه کامل آن را آورده است.^۱ ابن خلدون نیز نسخه‌ای دیگر از این متن را به طور کامل، ولی بی‌آنکه نامی از ابن‌وزیر ببرد در مقدمه *العبر* آورده است.^۲ کتاب اصمعی نیز از منابع قابل استناد در *استخراج لاحکام الخراج و ازمنه و امکانه* بوده است.^۳ این روایات مستقیم و در باب خراج می‌باشد. *دواوین الخراج* عباد بن عباس نیز در ابتدای *تاریخ قم* و در فهرست مطالب باب دوم، به عنوان مأخذ *تاریخ قم* به تألیف قمی، در ذکر انواع خراج بوده است.^۴ *خراج قدامه* نیز مورد استناد در *صبح الأعشى*، *تاریخ دمشق و بغیة الطلب* بوده است.^۵ *خراج حسن بن محمد بن هارون* نیز مورد استناد در *معجم البلدان* بوده است.^۶ این روایات در ذکر مواضع مختلف جغرافیایی و مسائل مالی است. *الخراج* اسحاق بن شریح نیز از منابع قابل استناد *استخراج لاحکام خراج* بوده است.^۷ همانطور که مشخص است این آثار کاربرد تاریخی و فقهی - حدیثی داشته‌اند. البته با توجه به اینکه خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی توسط کاتبان به نگارش درآمده‌اند، افرادی همچون قدامه، جهشیاری و قلکشندی نیز در سیمت کاتب، به این آثار توجه داشته‌اند، فقها نیز به نسبت خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی کمترین استناد را به این منابع داشته‌اند چون رویکرد اصلی این منابع فقه سیاسی بوده است.

جدول خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی

ر	مؤلف	نام کتاب	توضیحات
۱	حفصویه (۱ - ۲ ق)	الخراج	از کتاب خراج و نخستین کسی که در این صنعت دست به نگارش زده است. ^۸ به گفته ابن‌ندیم که او را از نخستین خراج‌نگاران معرفی کرده است و با توجه به این که معاویة بن عبیدالله (۱۷۰ق) دومین شخصیت خراج‌نگار شناخته می‌شود، به نظر می‌رسد در فاصله قرن ۱ - ۲ ق حیات داشته است.

۱. جهشیاری، *الوزراء و الكتاب*، ص ۲۸۸ - ۲۸۱.۲. ابن‌خلدون، *دیوان المبتدا و الخبر*، ص ۲۲۶ - ۲۲۴.۳. المزروعی، *الأزمنة والأمكنة*، ص ۴۲۲؛ ابن‌رجب، *الاستخراج لاحکام الخراج*، ص ۴.۴. قمی، *تاریخ قم*، ص ۱۶.۵. ابن‌عساکر، *تاریخ دمشق*، ج ۱، ص ۲۴؛ ابن‌العدیم، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، ج ۱، ص ۲۵۹؛ قلکشندی، *صبح الأعشى*، ج ۶، ص ۴۷۲.۶. حموی، *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۲۴۷۳؛ همان، ج ۳، ص ۲۴۲ و ۴۰۶؛ همان، ج ۴، ص ۱۱۴، ۲۰۳، ۲۵۵ و ۳۳۲.۷. ابن‌رجب، *الاستخراج لاحکام الخراج*، ص ۸.۸. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۲۳.

ر	مؤلف	نام کتاب	توضیحات
۲	معاویه بن عبیدالله (عبدالله) اشعری (۱۷۰ ق)	الخراج	ابوعبیدالله، وی کاتب و وزیر مهدی عباسی شد. وی در این کتاب احکام شرعی و دقائق و قواعد خراج را بیان کرده است. ^۱
۳	عمر بن مطرف عبدی (۱۸۸ ق)	دواوین الخراج	کاتب، مشهور به أباالوزیر، ^۲ مسئولیت دیوان خراج در زمان هارون الرشید. ^۳
۴	عبدالملک بن قریب (۲۱۷ ق)	الخراج	ملقب به اصمعی، از ادیبان و دستورشناسان و بزرگان لغت و اخبار. ^۴
۵	أحمد بن إسرائيل انباری (۲۵۵ ق)	تقدیر خراج الممالک	کاتب، وی وزارت معتزعباسی را بر عهده داشته است. ^۵
۶	احمد بن محمد بن ابوسهل (۲۷۰ ق)	الخراج	ابوسهل احوّل، از متقدمین کتاب و عالم به صنعت خراج. ^۶
۷	حامد بن عباس خراسانی (۳۱۱ ق)	دواوین الخراج و الضیاع	ابومحمد، وزیر مقتدر و متولی خراج واسط. ^۷
۸	احمد بن محمد بن بشار (۳۱۲ ق)	الخراج	ابن‌ندیم گفته که از کتاب، بلغاء، فصحاء و آشنا به صنعت بوده و من مسوده کتاب خراج وی را دیدم که در حدود هزار ورق است. ^۸
۹	عباد بن العباس طالقانی (۳۳۵ ق)	دواوین الخراج	أبوالحسن، محدث، وزیر و کاتب. ^۹ این کتاب به صورت دستور و قانونی جهت خراج و ضرائب به نگارش در آمده است. ^{۱۰}
۱۰	قدامه بن جعفر (۳۳۷ ق)	الخراج و صناعة الکتابه	أبوالفرج، کاتب بغدادی و از بلغاء. ^{۱۱}

۱. ابن‌طقطقی، *الفخری فی الآداب السلطانية*، ص ۱۸۰؛ ابن‌الفوطی، *مجمع الآداب فی معجم الألقاب*، ج ۲، ص ۴۸۱.
۲. حموی، *معجم الأدباء*، ج ۴، ص ۴۷۲.
۳. جهشیاری، *الوزراء و الكتاب*، ص ۲۸۱؛ صابی، *رسوم دارالخلافة*، ص ۲۸.
۴. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۱۲۰.
۵. ابن‌عساکر، *تاریخ دمشق*، ج ۷۱، ص ۳۷؛ ذهبی، *سیر أعلام النبلاء*، ج ۱۰، ص ۴۳.
۶. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۲۳.
۷. الصفدی، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۱، ص ۲۱۲ - ۲۱۱؛ ذهبی، *سیر أعلام النبلاء*، ج ۷، ص ۲۳۵.
۸. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۲۴؛ حموی، *معجم الأدباء*، ج ۱، ص ۵۹۶.
۹. البغدادی، *هدية العارفين*، ج ۱، ص ۴۸۴.
۱۰. طهرانی، *الذریعة*، ج ۴، ص ۲۸۳.
۱۱. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۱۴.

ر	مؤلف	نام کتاب	توضیحات
۱۱	عبدالله بن داود (ح) (۳۳۸ ق)	الخراج	ابن عرمم، ابوالقاسم، وفات وی در بطائح (میان واسط و بصره) بوده است. ^۱
۱۲	عبدالله بن احمد بن محمد کلوانی ^۲ (۳۴۵ ق)	الخراج	ابوالقاسم بغدادی، از کتاب، صاحب دیوان سواد. ^۳
۱۳	علی بن حسن (۳۵۰ ق)	الخراج	ابن ماشطه، از کاتبان، مکنی به ابوالحسن، وی در صنعت خراج و حساب مهارت داشته است. ^۴
۱۴	الحسن بن محمد بن هارون (۳۵۲ ق)	الخراج	أبومحمد مهلبی، وزیر معزالدوله بویه، ^۵ «أبوالحسین هلال بن محسن صابی از پدرش نقل کرده که او گفت هنگامی که أبومحمد مهلبی وزیر، می خواهد سنت ابواسحاق و پدر و دیگران را از کتاب خود در الخراج و الرسائل بإنشاء نقل کند...» ^۶
۱۵	علی بن وصیف (۳۷۰ ق)	الایضاح و التثقیف فی آئین الخراج و رسومه	خشکنانجه کاتب، شیعه، أبوالحسن، از بلغاء و أهل بغداد. ^۷
۱۶	اسحاق بن شریح (ح ۳۷۷ ق)	خراج کبیر و خراج صغیر	أبوالحسین، کاتب و از آگاهان به امور دواوین، مناظره و صنعت خراج. ^۸
۱۷	محمد بن احمد بن خیار (۱ - ۳ ق)	الخراج	کاتب از این شخصیت تنها در فهرست ابن ندیم (۳۸۰ ق) نام برده شده است. ^۹ به احتمال قبل ۳۸۰ ق حیات داشته است.
۱۸	محمد بن محمد بن سهل (۴۳۲ ق)	الخراج	أبوالفرج الشلحی ^{۱۰} عکبری، ^{۱۱} کاتب و از فضلاء. ^{۱۲}

۱. همان، ص ۲۱۲.
۲. دهکده‌ای میان منطقه بغداد و مدائن.
۳. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۱۵.
۴. همان، ص ۲۲۳؛ خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۸، ص ۲۱۱.
۵. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۷، ص ۹.
۶. قلقشندی، *صبح الأمشی*، ج ۱۳، ص ۶۴؛ مقریزی، *المواعظ والاعتبار*، ج ۲، ص ۵۰.
۷. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۳۰؛ حموی، *معجم الأدباء*، ج ۴، ص ۳۴۱.
۸. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۱۶.
۹. همان، ۲۲۴.
۱۰. قریه‌ای از قرای عکبری.
۱۱. شهرکی است بر دجله، ده فرسنگ بالاتر از بغداد.
۱۲. ابن السّاعی، *الدر الثمین فی أسماء المصنفین*، ص ۱۳۳؛ ذهبی، *تاریخ الإسلام*، ج ۲۹، ص ۱۱۷ - ۱۱۶.

ر	مؤلف	نام کتاب	توضیحات
۱۹	محمد بن ایوب مدائنی (۴۴۸ق)	الخراج	ابوطالب، وزیر، عمیدرؤساء، کاتب بغدادی. ^۱
۲۰	حسین بن عبدالله السمیری ^۲ (قرن ۵)	الخراج	أبو عبدالله، از کتاب. ^۳ با توجه به اینکه در فهرست ابن ندیم (۴۳۸هـ) و دیگر آثار تاریخی، ذکری از این کتاب نیامده و اولین بار ابن‌ماکولا (۴۷۵ق) از این کتاب نام برده است، به نظر می‌رسد تألیف این کتاب بین سال‌های ۴۳۸ - ۴۷۵ ق بوده است.
۲۱	مبارک بن شراره (۴۹۰ق)	جراند (در باب خراج)	ابوالخیر، طبیب، مورخ، وی «جراند» را که نزد اهل حلب مشهور بوده، برای شناخت خراج مستقر بر ضیاع به تألیف کرده است. ^۴
۲۲	علی بن القاضی (۵۸۵ق)	المنهاج فی احکام الخراج	أبو الحسن، مؤتمن، کاتب و قاضی، شافعی، معروف به مخزومی. ^۵

دو. خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی

خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی، منابعی هستند که به منظور روشن کردن احکام شرعی، حقوق مالی و امور اداری دولت اسلامی در برخورد با سرزمین‌های فتح شده، تدوین شده‌اند. با توجه به جدول مربوط به خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی، نقطه آغاز تألیف این آثار، اواخر سده دوم در عراق و توسط ابویوسف بوده است^۶ که تا نیمه اول سده چهارم تداوم یافته است. این دسته از آثار توسط فقها به نگارش درآمده‌اند. این آثار بعد از خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی، از نظر تعداد آثار در رتبه دوم قرار دارند. براساس تحقیقات انجام شده ۱۰ نفر از فقهای مسلمان دست به تألیف این آثار زده‌اند. این دسته خراج‌نگاری‌ها نسبت به خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی و محلی - جغرافیایی از وثاقت بیشتری برخوردار هستند چرا که فقها، به‌عنوان افراد مرجع و قابل اعتماد دستگاه خلافت و مردم، در ارتباط با احکام دین، از نویسندگان اصلی این آثار به‌شمار می‌روند، بنابراین چون این آثار جنبه کاربردی و عملی جهت اجرای شریعت جامع‌ه اسلامی را داشته‌اند، از اغراض شخصی به دور

۱. ابن‌الغوطی، *مجمع الآداب فی معجم الألقاب*، ج ۲، ص ۴۸۱؛ ذهبی، *تاریخ اسلام*، ج ۹، ص ۷۱۴.

۲. منطقه‌ای بین واسط و بصره.

۳. ابن‌ماکولا، *الإكمال فی رفع الازتیاب عن المؤلف*، ج ۴، ص ۸۲۹؛ حموی، *معجم البلدان*، ج ۳، ص ۲۴۶.

۴. قفطی، *إخبار العلماء بأخبار الحكماء*، ص ۲۴۶.

۵. ابن‌الغوطی، *مجمع الآداب فی معجم الألقاب*، ج ۶، ص ۵۶۹؛ مقریزی، *المواعظ والاعتبار*، ج ۴، ص ۳۵۴.

۶. ابویوسف، *الخراج*، ص ۳.

مانده‌اند. به‌عنوان مثال ابویوسف *الخروج* را جهت ترسیم نظامی فراگیر برای خراج - که با اصول شریعت اسلامی هماهنگ باشد - برای خلیفه هارون، به نگارش درآورد. او بدون اینکه نسبت به خلیفه جانب احتیاط پیش گیرد، خلیفه را اندرز می‌دهد و نصیحت می‌کند که حکومت خود را بر تقوا بنا کند زیرا اگر حکومت بر غیرتقوا بنا شود، طولی نخواهد کشید که خداوند حکومت او را از ریشه می‌کند و بر سر کسی که آن را بنا کرده و به آن یاری کرده، ویران می‌سازد.^۱

رویکرد نویسندگان این آثار: مؤلفان خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی، در منصب فقیه و با توجه به نقش دینی و شرعی در جامعه اسلامی، با رویکردی فقهی - کاربردی، دست به تألیف این آثار زده‌اند. به طور مثال ابویوسف به‌عنوان یک فقیه حنفی، *الخروج* را به درخواست خلیفه هارون الرشید و در زمینه مالیات‌های دولت مطابق با احکام اسلامی به نگارش درآورد.^۲ همچنین احمد بن عمر شیبانی در *سیمت فقیه الخروج* را برای خلیفه مهندی به نگارش درآورد است.^۳ در واقع این آثار فقهی، جنبه کاربردی و عملی در جامعه اسلامی داشته‌اند.

روش نگارش این آثار: در مورد خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی، با توجه به آثار باقی مانده همچون *خروج* ابویوسف و یحیی بن آدم و نیز با توجه به موضوع مورد بحث نویسندگان این آثار به‌عنوان یک مسئله فقهی، روش نگارش این آثار، روایی - اسنادی با تأکید بر سلسله روایت می‌باشد. **هدف نویسندگان این آثار:** در خصوص خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی، با توجه به جنبه اسلامی بودن حکومت، متولیان امور حکومتی، خود را مقید به این امر می‌دانستند که امور مربوط به حکومت، منطبق با شرع و احکام اسلامی باشد، به همین دلیل ارتباط تنگاتنگی بین فقه و سیاست وجود داشته است و به تبع این امر، خراج نیز به‌عنوان یکی از مسائل مهم سیاسی که در ارتباط با حکومت و سیاست بوده است، مورد توجه فقها قرار گرفت. بنابراین فقها به‌عنوان نویسندگان خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی، به منظور اداره شرعی سرزمین‌های مفتوحه و جهت تطبیق شرع با احکام زمین و در مواردی در جهت اعتراض به شیوه عملکرد خلفا، این آثار را به نگارش درآوردند. در واقع این آثار پاسخ‌ها و راهکارهای فقهی و اداری را در اختیار حُکام و فرمانروایان قرار می‌داده تا به‌واسطه آن اداره سرزمین‌های مفتوحه، به طریق شرعی انجام شود. نمونه بارز این آثار کتاب ابویوسف است که به درخواست خلیفه هارون الرشید و در زمینه مالیات‌های دولت، مطابق با احکام اسلامی به نگارش

۱. همان.

۲. همان.

۳. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۸۱.

درآمده است.^۱ هدف ابویوسف از نگارش این کتاب، ذکر نظرات فقهی خود، جهت اجرای احکام فقهی در تمام شئون جامعه می‌باشد.^۲ ابویوسف در این کتاب همچنین تعداد زیادی از معایب و مشکلات را که به شیوه عملکرد نادرست خلیفه برمی‌گردد، گوشزد کرده و درعین حال راه‌های عملی اصلاح آنها را هم پیشنهاد می‌کند و خلیفه را وامی‌دارد که اقداماتی در جهت محو و ابطال آنها در پیش بگیرد. اکثر این معایب و مشکلات به ظلم کارگزاران نسبت به اهل خراج، خواستن چیزی از آنان که بر عهده آنان نیست و شکنجه آنان به منظور گرفتن مالیات مربوط می‌شود. همچنین، برخی از انواع رفتارهایی که با تعالیم اسلامی ناسازگار است، در زمره این معایب و مشکلات است. مانند تشویق هارون الرشید به واگذاری کار خراج به گروه صالح، متدین و امین، چرا که از نظر ابویوسف، خلیفه در انتخاب والیان خراج جانب احتیاط را در پیش نمی‌گیرد؛^۳ و همچنین نباید بهای صحیفه، دفتر، کاغذ، مزد پیک، مزد کیل‌کنندگان و هزینه احدی، برگردن اهل خراج گذاشته شود؛^۴ همچنین برای گرفتن درهم‌های خراج، نباید کسی را مورد ضرب قرار داد و نباید کسی را سرپا نگهداشت.^۵

محتوای این آثار: در خصوص محتوای این آثار به‌جز دو کتاب باقی‌مانده از ابویوسف و یحیی بن آدم، اثری از دیگر تألیفات در این باب برجای نمانده است. با توجه به آثار برجای مانده و نیز روایات نقل شده در آثار تاریخی و فقهی از این آثار، می‌توان گفت که این آثار همانند خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی که از عنوان عام خراج برای کتاب‌هایشان استفاده کرده‌اند، از عنوان کتاب به نظر می‌رسد که به ظاهر جنبه تک‌نگاری در باب خراج داشته باشند، در صورتی که با مراجعه به دو کتاب باقی مانده، مشخص می‌شود که محتوای این آثار تنها منحصر به موضوع خراج نبوده است. به عنوان مثال *الخروج* ابویوسف تنها به بحث خراج محدود نبوده است بلکه موضوعاتی مانند کیفیت تقسیم غنائم،^۶ فیه و خراج،^۷ ذکر مناطق جغرافیایی،^۸ ذکر قطائع،^۹ فتوح عصر پیامبر ﷺ،^{۱۰}

۱. ابویوسف، *الخروج*، ص ۳.

۲. همان، ص ۶ - ۳.

۳. همان، ص ۱۰۶.

۴. همان، ص ۱۰۹.

۵. همان.

۶. همان، ص ۲۸.

۷. همان، ص ۳۸.

۸. همان، ص ۵۰.

۹. همان، ص ۶۹.

۱۰. همان، ص ۷۱.

زمین عشر،^۱ صدقات،^۲ زکات،^۳ بیع،^۴ اجاره زمین،^۵ عشور^۶ و ... را نیز شامل می‌شده است. *الخراج* یحیی بن آدم نیز به‌عنوان یک اثر فقهی - حدیثی در چهار جزء می‌باشد. جزء اول در باب غنیمت و فیء، زمین خراج و زمین عشر؛^۷ جزء دوم تقسیم فیء، عهد اهل سواد و صلح آنها، حکم خریداری زمین اهل ذمه، اموال نصاری بنی تغلب؛^۸ جزء سوم جزیه و خراج، قطایع، احیاء زمین موات، زکات زمین و زرع و ثمار؛^۹ و جزء چهارم تفسیر آیه «و اتوا حقه يوم حصاده»، فضل تجارت و زرع و نخل، آنچه اعطا کردن صدقه به آن مکروه است، آنچه زکات بر آن واجب می‌شود، مبلغ کیل و مقدار آن، خراج زمین و زکات زرع.^{۱۰} در این کتاب در مجموع ۶۴۰ روایت در باب مسائل مختلف مالی نقل شده است.

کاربرد این آثار: این تألیفات همانند خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی مورد استناد نویسندگان قرار گرفته است؛ چنان‌که *خراج* ابویوسف از جمله منابع مورد استفاده مورخان و فقها در *فتوح البلدان*، *الخراج*، *المواعظ والاعتبار*، *الاموال و الاستخراج لاحکام الخراج* بوده است.^{۱۱} تمام این روایات در باب خراج و مسائل مالی می‌باشد.

خراج یحیی بن آدم نیز مورد استفاده در *تاریخ مدینه*، *معجم البلدان*، *فتوح البلدان* و *تاریخ طبری* بوده است.^{۱۲} ابن‌الداودی - در ذکر مسائل مختلف مالی - الهارونی - در باب خمس و زکات - و

۱. همان، ص ۸۲.

۲. همان، ص ۸۸.

۳. همان، ص ۹۳.

۴. همان، ص ۱۰۰.

۵. همان، ص ۱۰۱.

۶. همان، ص ۱۴۶.

۷. قرشی، *الخراج*، ص ۲۳ - ۱۷.

۸. همان، ص ۶۸ - ۴۱.

۹. همان، ص ۱۱۵ - ۷۱.

۱۰. همان، ص ۱۷۳ - ۱۲۴.

۱۱. بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۶۵، ۶۶، ۸۱، ۸۲، ۴۲۹، ۴۳۰ و ۴۳۱؛ قدامه، *الخراج*، ص ۲۱۴، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۹ و ۲۵۲؛ مقریزی، *المواعظ والاعتبار*، ج ۳، ص ۲۱۹؛ ابوعبید، *الأموال*، ص ۱۱۶؛ ابن‌زنجویه، *الأموال*، ص ۲۶۳؛ ابن‌رجب، *الاستخراج لاحکام الخراج*، ص ۹۵.

۱۲. ابن‌شبه، *تاریخ المدینه*، ج ۱، ص ۱۸۵؛ همان، ج ۲، ص ۴۸۸؛ همان، ج ۳، ص ۱۱۴؛ همان، ج ۴، ص ۱۲۶۴ و ...؛ بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۲۰، ۳۱، ۳۴، ۶۵، ۹۹، ۲۶۴ و ۴۴۷؛ طبری، *تاریخ الأمم والملوک*، ج ۱، ص ۱۶؛ ج ۲، ص ۱۱۰؛ همان، ج ۳، ص ۵۹؛ همان، ج ۵، ص ۲۸۵؛ حموی، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۴۶؛ همان، ج ۳، ص ۲۷۵؛ همان، ج ۴، ص ۴۰۵.

ابن‌رجب نیز از یحیی بن آدم نقل روایت کرده‌اند.^۱
 خراج جاحظ نیز در *معجم البلدان*^۲ و *المواعظ والاعتبار*^۳ در باب خراج مورد استناد قرار گرفته است. *الخراج* حسن بن زیاد و محمود بن داود نیز در باب خراج از منابع قابل استناد در *الاستخراج لاحکام الخراج* بوده‌اند.^۴ همچنین سزگین اشاره کرده که به احتمال بسیار، طبری، در کتاب *الاختلاف از الخراج اللؤلؤی* بهره برده است.^۵
 همچنین این آثار مورد استناد مورخان و فقها در آثار تاریخی و فقهی‌شان بوده است. این آثار با توجه به این‌که جنبه فقهی - حدیثی داشته‌اند، برخلاف خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی، بیشتر مورد استناد فقها بوده‌اند.

جدول خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی

ردیف	مؤلف	نام کتاب	توضیحات
۱	یعقوب بن ابراهیم (۱۸۲ ق)	الخراج	قاضی أبویوسف، ^۶ فقیه، أهل کوفه، حنفی، عالم و حافظ. ^۷
۲	یحیی بن آدم (۲۰۳ ق)	الخراج	أبا زکریا، فقیه، از ثقات حدیث، اهل کوفه. ^۸
۳	حسن بن زیاد اللؤلؤی (۲۰۴ ق)	الخراج	أباعلی، فقیه، از أصحاب أبی حنیفه. ^۹
۴	جعفر بن مبشر (۲۳۴ ق)	الخراج	ابومحمد، فقیه، متکلم و از معتزلیان بغداد. ^{۱۰}
۵	عمرو بن بحر جاحظ (۲۵۵ ق)	رساله الی ابی النجم فی الخراج	ادیب و متکلم معتزلی. ^{۱۱}

۱. الداودی، *الأموال*، ص ۷۱؛ الهارونی، *شرح التجرید فی فقه الزیدیة*، ج ۲، ص ۸۷، ۱۴۰ و ۱۷۶؛ ابن‌رجب، *الاستخراج لاحکام الخراج*، ص ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۷، ۲۸ و ...
۲. حموی، *معجم البلدان*، ج ۵، ص ۱۴۱.
۳. مقریزی، *المواعظ والاعتبار*، ج ۳، ص ۲۱۸.
۴. ابن‌رجب، *الاستخراج لاحکام الخراج*، ص ۱۰، ۱۴، ۱۰۶ و ۱۱۴؛ همان، ص ۶۴.
۵. سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۱، ص ۶۰۶.
۶. ابن‌خلکان، *وفیات الأعیان*، ج ۶، ص ۳۷۸.
۷. همان، ص ۳۷۹.
۸. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۴۱۴.
۹. همان، ص ۳۷۹.
۱۰. همان، ص ۳۰۳.
۱۱. همان، ص ۳۰۸؛ حموی، *معجم الأدباء*، ج ۴، ص ۴۹۵.

ردیف	مؤلف	نام کتاب	توضیحات
۶	احمد بن عمرو شیبانی (۲۶۱ق)	الخراج	احمد بن عمر خصاف، ^۱ حنفی مذهب، مکنی به أبابکر، ^۲ فقیه، حاسب، از متقدمان نزد مهتدی. ^۳
۷	داود بن خلف اصفهانی (۲۷۰ق)	الخراج	فقیه و مُحَدِّث، بنیان‌گذار مذهب ظاهری. ^۴
۸	محمد بن مسعود سمرقندی (۳۲۰ق)	الخراج	ابونصر، از فقهای شیعه، اهل سمرقند، از بنی تمیم. ^۵
۹	محمود بن داود (۳۳۱ق)	الخراج	ابن‌رجب در کتاب استخراج لاحکام خراج در ضمن بحث از مقدار خراج، از کتاب وی نام برده و روایتی در باب خراج از وی نقل می‌کند. ^۶
۱۰	عبدالعزیز بن یحیی جلودی (۳۳۲ق)	الخراج	أبو أحمد، فقیه امامی، بصری، مورخ، ادیب. ^۷ وی کتابی در باب خراج داشته که نجاشی از آن با عنوان خراج نام برده است. ^۸

سه. خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی

در باب این سبک از خراج‌نگاری، از یک سو باید به این نکته توجه داشت که چون اثری از هیچ‌یک از این تألیفات برجای نمانده است، بنابراین جهت مشخص ساختن رویکرد و هدف نگارش این آثار، تنها می‌توان به‌عنوان آثار تألیفی و برخی از روایاتی که از این آثار - توسط دیگر نویسندگان - نقل شده است، استناد کرد، چون عنوان این آثار و روایات نقل شده از این آثار، جنبه تاریخی، محلی و جغرافیایی دارد و از سوی دیگر با توجه به تعریف خراج‌نگاری‌های محلی (شاخه‌ای از تاریخ‌نگاری محلی است که در ارتباط مستقیم با فتوح در یک سرزمین خاص - مانند روستا، شهر، استان یا ایالت - به وجود آمده است) که عنصر اصلی در آن تأکید بر مکان‌های جغرافیایی خاص است - مانند کتاب

۱. نعل کوب، نعل ساز. (فیومی، *المصباح المنیر*، ج ۱، ص ۱۷۱)

۲. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۸۱.

۳. همان، ص ۲۵۶.

۴. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۹۳.

۵. همان، ص ۳۶۱.

۶. ابن‌رجب، *الاستخراج لاحکام الخراج*، ص ۶۴.

۷. نجاشی، *رجال*، ص ۱۸۰.

۸. همان، ص ۱۸۱.

خراج خراسان حفص بن منصور^۱ و خراج رقه مظفر بن القاضی^۲ که تنها محدود به دو منطقه جغرافیایی خراسان و رقه بوده‌اند - و با توجه به اینکه خراج‌نگاری جغرافیایی، قلمروی گسترده‌تر از یک یا چند منطقه خاص را شامل می‌شود - مانند خراج هیثم بن عدی^۳، عبدالرحمن بن عیسی^۴ و محمد بن سهل^۵ که به ذکر خراج مناطق مختلف جغرافیایی پرداخته‌اند - در این قسمت جهت ایجاد نوعی همگرایی و هم‌پوشانی در عنوان این سبک از خراج‌نگاری، از عنوان عام خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی استفاده می‌کنیم. نمونه بارز این آثار کتاب خراج خراسان حفص منصور می‌باشد. همانطور که از عنوان این کتاب مشخص است، این اثر علاوه بر اینکه می‌تواند به‌عنوان یک اثر در باب تاریخ محلی خراسان مطرح باشد، همچنین می‌تواند به‌عنوان اثری تاریخی در باب خراج نام برده شود. اما چون اثری از این کتاب باقی نمانده است، مشخص نیست که رویکرد نویسنده تاریخی بوده - یعنی هدف از نگارش کتاب تهیه متنی تاریخی در باب تاریخ خراج خراسان بوده - یا اینکه کتاب با رویکرد کاربردی در جهت اداره بهتر منطقه خراسان به نگارش درآمده است. اما تردیدی در این مسئله نیست که این اثر به‌عنوان یک تک‌نگاری مالی و اقتصادی مطرح بوده است. از مصادیق دیگر این آثار می‌توان به الخراج هیثم بن عدی اشاره کرد. هرچند که وی به‌عنوان یک مورخ، دست به تدوین این اثر زده است ولی چون از این کتاب اثری برجای نمانده است، لذا با استناد به روایات نقل شده از این کتاب در معجم البلدان حموی^۶ و خراج قدامه^۷، رویکرد وی در تدوین این کتاب به احتمال قوی تاریخی - جغرافیایی بوده و با هدف خبرنگاری و اخبارنویسی در باب خراج دست به نگارش این اثر زده است. نقطه آغاز تألیف خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی، اواخر سده دوم در خراسان و توسط حفص بن منصور^۸ بوده است که تا اواسط سده هفتم تداوم یافته است. مورخان از نویسندگان اصلی این آثار می‌باشند. این آثار از جهت زمانی متأخرتر از دو دسته از خراج‌نگاری‌های ماقبل به نگارش درآمده‌اند. بعد از خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی و فقهی - حدیثی، از نظر تعداد

۱. گردیزی، تاریخ گردیزی، ص ۲۹۰.

۲. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۶ ص ۳۶۰؛ البغدادی، هدیه العارفین، ج ۲، ص ۴۶۴.

۳. ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۶۷.

۴. همان، ص ۲۱۲.

۵. البکری، معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۲۷۹ و ۳۰۸؛ همان، ج ۲، ص ۶۲۳؛ همان، ج ۳، ص ۷۷۶؛ همان، ج ۴، ص ۱۱۲۸، ۱۱۸۵ و ...

۶. حموی، معجم البلدان، ج ۱، ۲۰۷؛ همان، ج ۴، ص ۴۶۱.

۷. قدامه، الخراج، ص ۳۷۳، ۳۸۳ و ۳۸۲.

۸. گردیزی، تاریخ گردیزی، ص ۲۹۰.

آثار، این تألیفات در رتبه سوم قرار دارند، چنانچه تعداد ۵ نفر از مورخان، دست به تألیف این آثار زده‌اند. رویکرد نویسندگان این آثار: نویسندگان خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی در سیمت مورخ، با سه رویکرد تاریخی (هیشم بن عدی)، محلی (حفص بن منصور) و جغرافیایی (محمد بن سهل) به تألیف این آثار در باب خراج پرداخته‌اند.

روش نگارش این آثار: اگرچه از خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی اثری برجای نمانده است اما با توجه به اینکه این آثار توسط مورخان به نگارش درآمده و نیز با توجه به روایات نقل شده از این آثار توسط نویسندگان بعدی در آثار محلی و جغرافیایی‌شان، می‌توان روش تألیف این آثار را تاریخی و توصیفی، به صورت ذکر وقایع و حوادث به‌شمار آورد.

هدف نویسندگان این آثار: مورخان نیز به‌عنوان مؤلفان خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی - البته از لحاظ زمانی متأخرتر - بدون اینکه تحت تأثیر مسائل سیاسی، اداری و فقهی این آثار قرار گیرند، صرفاً با هدف اخبارنویسی و تاریخ‌نگاری و ثبت اثری تاریخی در مورد خراج مناطق مختلف جغرافیایی، دست به نگارش این آثار زده‌اند. از جمله این مورخان می‌توان به حفص بن منصور^۱، محمد بن بحر^۲ و مظفر بن القاضی^۳ اشاره کرد که آثاری در باب خراج خراسان و سیستان و رقه به نگارش درآورده‌اند.

محتوای این آثار: با توجه به روایات نقل شده از هیشم بن عدی در کتاب *الاموال*، *الخروج* و *معجم البلدان*^۴، محمد بن سهل در *معجم ما استعجم*^۵ و محمد بن بحر در *معجم البلدان* و *آثار البلاد و أخبار العباد*^۶، محتوای این آثار علاوه بر بررسی تاریخ خراج مناطق جغرافیایی مختلف و عاملان آن، بحث فتوح و مناطق مختلف جغرافیایی را نیز دربرداشته است.

کاربرد این آثار: این تألیفات نیز مورد استناد نویسندگان قرار گرفته است. *خروج* هیشم بن عدی از منابع ارجاعی *الخروج* قدامه، *معجم البلدان* حموی و *الاموال* ابن‌زنجویه بوده است.^۷ این روایات

۱. همان.

۲. ابن‌شهر آشوب، *معالم العلماء*، ص ۸۵.

۳. حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، ج ۶، ص ۳۶۰؛ البغدادی، *هدیه العارفين*، ج ۲، ص ۴۶۴.

۴. ابن‌زنجویه، *الأموال*، ص ۱۶۲، ۱۸۲، ۲۱۱، ۴۳۷، ۵۰۲، ۵۲۴، ۵۳۶، ۶۱۴، ۶۲۴ و ۶۳۴؛ قدامه، *الخروج*، ص ۳۷۳، ۳۸۳ و ۳۸۲؛ حموی، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۲۰۷؛ همان، ج ۴، ص ۴۶۱.

۵. البکری، *معجم ما استعجم*، ج ۱، ص ۲۷۹ و ۳۰۸؛ همان، ج ۲، ص ۶۲۳؛ همان، ج ۳، ص ۷۷۶؛ همان، ج ۴، ص ۱۱۲۸، ۱۱۸۵، ۱۲۰۱، ۱۲۶۵ و ...

۶. حموی، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۵۹؛ همان، ج ۳، ص ۱۹۰؛ القزوينی، *آثار البلاد و أخبار العباد*، ص ۲۲۰.

۷. قدامه، *الخروج*، ص ۳۷۳، ۳۸۳ و ۳۸۲؛ حموی، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۲۰۷؛ همان، ج ۴، ص ۴۶۱؛ ابن‌زنجویه، *الأموال*، ص ۱۶۲، ۱۸۲، ۲۱۱، ۴۳۷، ۵۰۲، ۵۲۴، ۵۳۶، ۶۱۴، ۶۲۴ و ۶۳۴.

مستقیم و بدون واسطه در باب مواضع جغرافیایی و مسائل مالی می‌باشد، به‌ویژه روایات مربوط به ابن‌زنجویه که به احتمال زیاد این کتاب در دسترس وی بوده است. *خراج* محمد بن بحر نیز در کتب جغرافیایی - از جمله *آثار البلاد و أخبار العباد* درباره سیستان و وضع اقتصادی آن و *معجم البلدان* در باب ابارق و سیستان - مورد استناد بوده است.^۱ آن‌طور که از عنوان کتاب *المثل و السیر و الخراج* محمد بن بحر مشخص است و با توجه به روایاتی که از وی در کتب جغرافیایی در باب سیستان و وضع اقتصادی این منطقه نقل شده است و سیستان به‌عنوان زادگاه وی مطرح بوده، این کتاب نیز به احتمال قوی در باب تاریخ خراج در سیستان بوده است. *خراج* محمد بن سهل نیز مورد ارجاع مقریزی (۸۴۵ ق) در *المواعظ و الاعتبار* در ذکر موضع مدین،^۲ ابن‌الدیم (۶۶۰ ق) در *بغیة الطلب* در ذکر وجه تسمیه قنسرین^۳ و همچنین بکری (۴۸۷ ق) در *معجم ما استعجم* بوده است.^۴ این آثار نیز مانند دو دسته از خراج‌نگاری‌های پیشین، کاربرد تاریخی و فقهی - حدیثی داشته‌اند. البته با توجه به جنبه محلی و جغرافیایی این آثار، بیشترین استناد به این منابع در کتب جغرافیایی و محلی بوده است.

جدول خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی

ردیف	مؤلف	نام کتاب	توضیحات
۱	حفص بن منصور مروزی (۲۰۰ - ۱۸۰ ق)	خراج خراسان	هارون‌الرشید در سال ۱۸۰ ق امارت خراسان را به علی بن عیسی بن ماهان داد. علی بن عیسی پسر خود یحیی را به خراسان فرستاد. حفص بن منصور، دبیری یحیی را در خراسان بر عهده داشته است. ^۵
۲	هیثم بن عدی (۲۰۷ ق)	الخراج	ابوعبدالرحمن ثعلبی، از اصحاب واقدی و از عالمان به اشعار و اخبار و مثالب، مناقب، مآثر و انساب. ^۶
۳	محمد بن بحر رهنی ^۷ سجستانی (۳۲۲ ق)	المثل و السیر و الخراج	ابوالحسین، متکلم شیعی، شیبانی. ^۸

۱. القزوينی، *آثار البلاد و أخبار العباد*، ص ۲۲۰؛ حموی، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۵۹؛ همان، ج ۳، ص ۱۹۰.
۲. مقریزی، *المواعظ و الاعتبار*، ج ۱، ص ۳۴۷.
۳. ابن‌الدیم، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، ج ۱، ص ۶۹.
۴. البکری، *معجم ما استعجم*، ج ۱، ص ۲۷۹، ۳۰۸؛ همان، ج ۲، ص ۶۲۳؛ همان، ج ۳، ص ۷۷۶؛ همان، ج ۴، ص ۱۱۲۸، ۱۱۸۵، ۱۲۰۱، ۱۲۶۵ و ...
۵. گردیزی، *تاریخ گوردیزی*، ص ۲۹۰.
۶. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۱۶۷.
۷. یکی از روستاهای کرمان. (حموی، *معجم البلدان*، ج ۳، ص ۱۰۸)
۸. ابن‌شهر آشوب، *معالم العلماء*، ص ۶۵.

ردیف	مؤلف	نام کتاب	توضیحات
۴	عبدالرحمن بن عیسی بن الجراح (۳۳۰ ق)	سیره أهل الخراج و أخبار و أنسابهم فی القديم و الحديث	ابوعلی، کاتب بغدادی، از وزرای مقتفی عباسی. ^۱
۵	محمد بن سهل الأحول (۳ - ۴ ق)	الخراج	در ضمن کتب جغرافیایی و تاریخی از این شخصیت نام برده شده و نقل روایاتی از کتاب «الخراج» وی در ذکر مواضع جغرافیایی وجود دارد. ^۲
۶	مظفر بن القاضی بن ابراهیم (۶۵۰ ق)	مقاله فی خراج الرقه ^۳ واهویتها واحوالها وطبائعها	بدرالدین، بعلبکی، سپس دمشق، طبیب. ^۴

تأثیر شرایط مکانی و زمانی بر سبک‌های خراج‌نگاری

کانون شکل‌گیری خراج‌نگاری مسلمانان را می‌توان از سده دوم و در منطقه عراق مشاهده کرد، هرچند نمی‌توان از نقش مناطقی چون خراسان، سمرقند، سیستان، قم و مصر چشم‌پوشی کرد ولی منطقه عراق با محوریت بغداد، از قرن دوم تا پایان قرن پنجم که اوج نگارش این آثار بوده، نقش کلیدی داشته است تا جایی که به جرأت می‌توان گفت که ۹۰ درصد از این آثار مربوط به منطقه عراق می‌باشد. معاویة بن عبیدالله (۱۷۰ ق)، یعقوب بن ابراهیم (۱۸۲ ق)، عمر بن مطرف (۱۸۸ ق)، یحیی بن آدم (۲۰۳ ق)، حسن بن زیاد (۲۰۴ ق)، هیشم بن عدی (۲۰۷ ق) و جعفر بن مبشر (۲۳۴ ق) از پیشگامان این نوع تاریخ‌نگاری در منطقه عراق به‌شمار می‌روند. از مجموع ۲۸ اثر نگارشی در باب خراج، ۵ اثر مربوط به قرن دوم، ۱۰ اثر نگاشته شده در قرن سوم، ۱۷ اثر تدوین‌گشته در قرن چهارم، ۴ اثر متعلق به قرن پنجم، ۱ اثر تألیف شده در قرن ششم و ۱ اثر نوشته شده در قرن هفتم بوده است. درخصوص اینکه چرا اکثر این آثار مربوط به حوزه جغرافیای عراق و محدوده زمانی قرن دوم تا پایان قرن پنجم می‌باشد، باید اذعان کرد:

۱. اوضاع اجتماعی و سیاسی عراق در این محدوده زمانی با دیگر مناطق جهان اسلام متفاوت بوده است. قبایل جنوب، پیکره اصلی جامعه عراق را تشکیل می‌دادند. بصره و کوفه دو مرکز مهم قبایل عربی بوده‌اند. تعامل یا تقابل و روایات خاندانی و قبیله‌ای می‌توانست در تاریخ‌نگاری مؤثر باشد.

۱. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۱۲؛ الصفدی، *الوافی بالوفیات*، ج ۱۸، ص ۲۱۵.

۲. البکری، *معجم ما استعجم*، ج ۱، ص ۲۷۹؛ همان، ج ۲، ص ۶۲۳؛ همان، ج ۳، ص ۷۷۶؛ همان، ج ۴، ص ۱۱۲۸، ۱۱۸۵، ۱۲۰۱ و ۱۲۶۵.

۳. منطقه‌ای در سوریه.

۴. حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، ج ۶، ص ۳۶۰؛ بغدادی، *هدیة العارفين*، ج ۲، ص ۴۶۴.

اینان علاوه بر روایات انساب و ایام العرب، وارث ادبیات شعری قوم خود بودند. چنان‌که با کتابت عربی، سریانی و فارسی نیز آشنایی داشتند.^۱

۲. از سوی دیگر، در این محدوده زمانی، عراق به سبب آنکه پیشینه فرهنگی و تمدنی ایران را نیز تجربه کرده بود و کانون فرماندهی بسیاری از جنگ‌های داخلی و فتوح شرق اسلامی بود، می‌توانست اسناد و مدارک ارزشمندی برای تاریخ‌نگاری، به‌ویژه تاریخ‌نگاری مالی و از جمله خراج به‌عنوان یک مسئله حکومتی و سیاسی که مستقیماً تحت نظارت خلافت اسلامی در بغداد قرار داشته و در ارتباط مستقیم با این فتوح بوده، در اختیار داشته باشد.

۳. افزون بر این، عراق شاهد مهاجرت و حضور گسترده صحابه پیامبر ﷺ بوده است لذا حضور پرشمار موالی و اهل کتاب در عراق و علاقه عباسیان به انساب و اخبار و ترجمه و تدوین متون علمی را باید به این موارد افزود.^۲

۴. از سوی دیگر در محدوده زمانی تحقیق پیش‌رو - یعنی تا سال ۶۵۰ ق - تمرکز حاکمیت اسلامی، در منطقه جغرافیایی عراق و با محوریت بغداد بوده است.

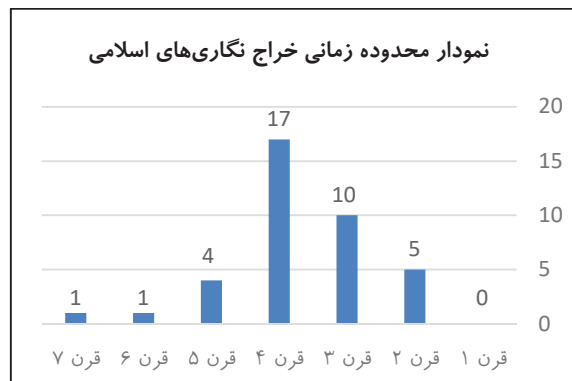
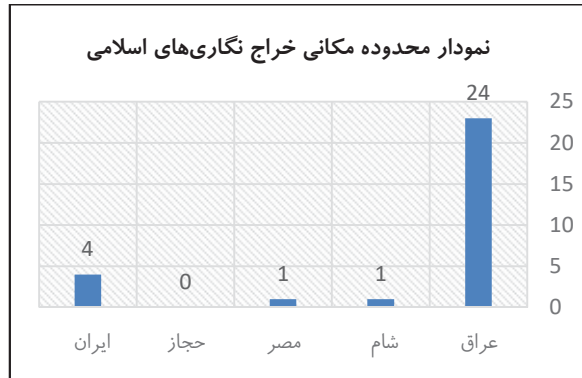
این زمینه‌ها سبب می‌شد تا حدودی مواد و روش‌های داد و ستد علمی در عراق نسبت به دیگر مراکز علمی متمایز گردد. عراق با چنین ترکیبی که در این محدوده زمانی داشت، نقطه تلاقی میراث و روش‌های اسلامی، با موارث و روش‌های علمی دیگر بود.^۳ بنابراین عوامل، خراج‌نگاری در این کانون جغرافیایی و در این محدوده زمانی، از یک‌سو با توجه به بحث فتوح و کانون فرماندهی آنها در منطقه عراق، استقرار حاکمیت مرکزی در آنجا و متعاقب آن بحث سیاسی و حکومتی بودن مسئله خراج - که بیشتر به‌عنوان یک منبع درآمد در دست حاکمیت بوده است - باعث شد تا کاتبان و وزیران، به درخواست خلفا و حاکمیت مستقر، جهت اداره بهتر مناطق فتح شده و وصول منظم خراج، و همچنین فقیهان، جهت تطبیق شرع با احکام زمین خراجی و اداره شرعی مناطق مفتوحه با هدف تدوین متنی اجرائی و کاربردی، دست به تدوین آثار خراجی بزنند. از سوی دیگر نیز با توجه به مهیا بودن مواد تاریخی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی حاکم بر منطقه عراق، خراج‌نگاری در این منطقه مورد توجه قشر مورخ جامعه عراق قرار گرفت. اهمیت خراج در منطقه عراق به اندازه‌ای بوده است که حتی توجه نویسندگان معاصر، از جمله صالح احمد العلی (۲۰۰۲ م) مؤلف کتاب «الخراج في العراق في

۱. عزیزی، نقد و بررسی منابع تاریخ فتوح، ص ۸۸

۲. همان، ص ۸۹

۳. همان.

المهود الإسلامية الاولى» و عبدالعزیز الدوری (۲۰۱۰ م) مؤلف کتاب *تاریخ العراق الاقتصادي في القرن الرابع الهجری* را به خود جلب کرده است. بنابراین، وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر منطقه عراق در محدوده زمانی قرن دوم تا پایان قرن پنجم، بر توجه نویسندگان به ویژه کاتبان، وزیران و فقها بر تدوین آثار خراجی مؤثر بوده است.



نقش و تأثیر حاکمیت بر سبک های خراج نگاری

باتوجه به مباحث بیان شده در خصوص آثار تألیفی مسلمانان در هر سه سبک خراج نگاری، باید اذعان کرد که در این سه سبک در مجموع ۳۸ اثر تألیفی تا سال ۶۵۰ هـ به نگارش درآمده است که خراج نگاری فقهی - حدیثی ۲۲ اثر، خراج نگاری فقهی - حدیثی ۱۰ اثر و خراج نگاری محلی - جغرافیایی ۶ اثر را به خود اختصاص داده اند. همانطور که مشخص است، بیشترین آثار نگارشی به ترتیب در باب خراج نگاری فقهی - سیاسی و فقهی - حدیثی می باشد. علت این امر را باید در این مسئله دانست که خراج به عنوان یک موضوع حکومتی و سیاسی، اهمیت به سزایی نزد خلفا و حاکمان داشته،

بنابراین کتب خراج غالباً برای حاکمان و به درخواست آنها جهت وصول منظم این منبع درآمدی و اداره بهتر و شرعی مناطق فتح شده، توسط کاتبان و وزیران - همچون معاویه بن عبیدالله برای مهدی عباسی،^۱ عمر بن مطرف برای یحیی بن خالد برمکی^۲ و عباد بن عباس برای حاکم قم^۳ - و فقها - همچون ابویوسف برای هارون الرشید،^۴ احمد بن عمر برای مهتدی^۵ - به نگارش درآمده است. ابویوسف از انگیزه تدوین *الخراج* که همان پاسخ به پرسش‌های هارون الرشید باشد، یاد می‌کند.^۶ در این کتاب ابویوسف به جواب سؤالات هارون الرشید در موضوع خراج، تعیین خراج، وضع خراج توسط عمر، موذیان و دریافت‌کنندگان خراج و خراج زمین‌های سواد پرداخته است.^۷ با این توضیح، نقش دستگاه خلافت و حاکمیت در نگارش خراج روشن می‌شود. از میان این سبک‌ها، خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی و فقهی - حدیثی به جهت بحث کاربردی بودن آنها برای حاکمیت، بیشترین آثار تألیفی در باب خراج را به خود اختصاص داده‌اند و این مسئله نشانگر این مطلب است که حاکمیت، تأثیر مستقیم و بدون واسطه در تألیف این آثار داشته است. اما نویسندگان سبک محلی - جغرافیایی، بدون اینکه تحت تأثیر مسائل سیاسی، اداری و فقهی این آثار قرار گیرند، صرفاً با هدف اخبارنویسی و تاریخ‌نگاری و ثبت اثری تاریخی در مورد خراج مناطق مختلف جغرافیایی، دست به نگارش این آثار زده‌اند، بنابراین دستگاه حاکمیت نقشی در تدوین این آثار نداشته است.

تفاوت‌های سبک‌های خراج‌نگاری

با توجه به مطالب بیان شده در باب سبک‌های خراج‌نگاری، موارد ذیل به‌عنوان تفاوت‌های این سبک‌ها بیان می‌گردند:

۱. در باب تدوین آثار در باب خراج، فتوح به‌عنوان یک عامل مهم سیاسی، در تدوین هر سه سبک خراج‌نگاری نقش اساسی داشته است. ولی عامل نیازهای تقنینی و سیاسی جامعه اسلامی، از عوامل مهم رویکرد کاتبان و فقیهان در تدوین خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی و فقهی - حدیثی، و عامل خبرنگاری و اخبارنویسی مهمترین عامل در توجه مورخان در تدوین خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی بوده است.

۱. قدامه، *الخراج*، ص ۲۲۲.

۲. جهشیاری، *الوزراء و الكتاب*، ص ۲۸۱؛ صابی، *رسوم دارالخلافة*، ص ۲۸.

۳. طهرانی، *الذریعه*، ج ۴، ص ۲۸۳.

۴. ابویوسف، *الخراج*، ص ۳.

۵. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۸۱.

۶. ابویوسف، *الخراج*، ص ۳.

۷. همان، ص ۶۹ - ۲۳.

۲. از سه سبک خراج‌نگاری‌های فوق، خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی و فقهی - حدیثی با هدف ایجاد متنی کاربردی و عملی، جهت ارائه راهکارهای فقهی و اداری برای حکام و فرمانروایان، و خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی به منظور ایجاد متنی علمی جهت وقایع‌نگاری و توصیف اقلیم و سرزمین (شهر و روستا) و تاریخ خراج به نگارش درآمده‌اند.

۳. آنچه در ارتباط با کاربرد این آثار می‌توان گفت این است که، هر سه دسته این خراج‌نگاری‌ها، کاربرد تاریخی و فقهی - حدیثی داشته‌اند. اما باید توجه داشت که خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی توسط کاتبان به نگارش درآمده‌اند، لذا افرادی همچون قدامه، جهشپاری و قلقشندی که هر سه در سمت کاتب بوده‌اند، این آثار را تألیف کرده‌اند. فقها نیز، به نسبت خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی کمترین استناد را به این منابع داشته‌اند، چون رویکرد اصلی این منابع، فقه سیاسی بوده است. خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی نیز چون جنبه فقهی و حدیثی داشته‌اند، برخلاف خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی، بیشتر مورد استناد فقها بوده‌اند. در باب خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی نیز با توجه به جنبه محلی و جغرافیایی این آثار، بیشترین استناد به این منابع، در کتب جغرافیایی و محلی بوده است.

۴. روش نگارش سبک خراج‌نگاری فقهی - سیاسی با توجه به آثار برجای مانده - مانند؛ *خراج قدامه و المنهاج فی احکام الخراج* علی بن قاضی - توصیفی و غیراسنادی و نزدیک به سبک نگارش کتاب‌های دیوان‌سالاری و وزرا، روش نگارش سبک خراج‌نگاری فقهی - حدیثی نیز - با توجه به *الخراج* ابویوسف و *الخراج* یحیی بن آدم - روایی و اسنادی با تأکید بر سلسله روایت و روش نگارش سبک خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی نیز - با توجه به تدوین این آثار توسط مورخان و روایات نقل شده از این آثار توسط نویسندگان بعدی در آثار محلی و جغرافیایی - تاریخی و توصیفی و به صورت ذکر وقایع و حوادث تاریخی بوده است.

۵. اقبال داشتن همزمان کاتبان، وزیران و فقها به این کتاب‌ها در دو سبک خراج‌نگاری فقهی - سیاسی و فقهی - حدیثی، نشانه قوت و از اسباب ماندگاری برخی از این آثار بوده است، در صورتی که از آثار تألیفی در باب خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی هیچ اثری برجای نمانده است.

۶. در تدوین خراج‌نگاری فقهی - سیاسی و فقهی - حدیثی، به واسطه اهمیت خراج به عنوان یکی از مهمترین مسائل سیاسی و فقهی و بحث کاربردی بودن آنها، حاکمیت تأثیر مستقیم و بدون واسطه در تألیفات خراجی داشته است. اما نویسندگان سبک محلی - جغرافیایی چون با هدف اخبارنویسی و تاریخ‌نگاری در مورد خراج مناطق مختلف جغرافیایی دست به نگارش این آثار زده‌اند، دستگاه حاکمیت نقشی در تدوین این آثار نداشته است.

مزایا و معایب سبک‌های خراج‌نگاری

خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی و فقهی - حدیثی چون غالباً برای حاکمان و به درخواست آنها - جهت اداره بهتر و شرعی مناطق فتح‌شده - و توسط کاتبان، وزیران و فقهان به نگارش درآمده‌اند، بیشتر مربوط به مراکز حکومت اسلامی بوده‌اند، در نتیجه این آثار عاری از تمایلات سیاسی و قبیله‌ای می‌باشند.

قصد و هدف اصلی از نگارش این آثار به‌ویژه سبک‌های خراج‌نگاری فقهی - سیاسی و فقهی - حدیثی، نیازهای مالی و اقتصادی مسلمانان بوده و هدف فرعی آنها جنبه عملی و کاربردی آنها در جهت رفع مشکلات اداری و شرعی ناشی از فتوح بوده است که راهکارهای فقهی و اداری در اختیار حکام و فرمانروایان قرار می‌داده است. بنابراین جنبه کاربردی و عملی این آثار از یک‌سو و اتقان سندی و محتوایی آنها از سوی دیگر، باعث شده که اصولاً محتوای آنها قابل اعتماد باشد و به سبب همین اعتبار، این آثار خود به‌عنوان منبع ارجاعی توسط نویسندگان بعدی در کتب مالی، تواریخ عمومی، جغرافیایی و فتوح مورد استفاده قرار گرفته است.

یکی از مزایای خراج‌نگاری‌های فقهی - حدیثی نسبت به خراج‌نگاری‌های فقهی - سیاسی و محلی - جغرافیایی این است که این آثار از وثاقت بیشتری برخوردار هستند چرا که فقها، به‌عنوان افراد مرجع و قابل اعتماد دستگاه خلافت و مردم، در ارتباط با احکام دین، از نویسندگان اصلی این آثار به‌شمار می‌روند، بنابراین چون این آثار جنبه کاربردی و عملی جهت اجرای شرعیات جامعه اسلامی را داشته‌اند، از اغراض شخصی به دور مانده‌اند.

در هر سه سبک خراج‌نگاری، با توجه به ظاهر عناوین کتب خراجی، به نظر می‌رسد که جنبه تک‌نگاری داشته باشند ولی با مراجعه به متن و محتوای کتاب مشخص می‌شود که این کتب تنها به موضوع خراج بسنده نکرده‌اند بلکه دارای موضوعات و احکام متنوع مالی می‌باشند که در ضمن آنها به تاریخ و جغرافیا نیز توجه شده است.

یکی از مهمترین معایب خراج‌نگاری‌ها، از بین رفتن اکثر این آثار به‌ویژه خراج‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی می‌باشد که باعث عدم دسترسی مستقیم به این متون شده است.

نتیجه

در باب سبک‌های خراج‌نگاری باید اذعان کرد که از یک‌سو بحث فتوح و مسائل پیش‌رو - از جمله نحوه اداره بهتر مناطق مفتوحه، توجه به نیازهای تقنینی - سیاسی حکومت اسلامی و رویکرد خبرنگاری و اخبارنویسی نویسندگان مسلمان - به‌عنوان مهمترین علل نگارش آثار در باب خراج، و از سوی دیگر، سِمَت، رویکرد، روش و هدف نویسندگان و محتوا و کاربرد آثار تألیفی، باعث شکل‌گیری

سه سبک خراج‌نگاری (فقهی - سیاسی، فقهی - حدیثی، محلی - جغرافیایی) شده است.

خرāj‌نگاری‌های فقهی - سیاسی توسط کاتبان و به روش توصیفی و غیراسنادی، با رویکرد سیاسی - اجرایی و با هدف تألیف منابعی اجرایی و آموزشی جهت اداره بهتر سرزمین‌های مفتوحه برای عاملان خراج تألیف شده‌اند.

خرāj‌نگاری‌های فقهی - حدیثی توسط فقیهان و به سبک و روش روایی - اسنادی، با رویکرد فقهی - کاربردی و با هدف ایجاد متنی کاربردی جهت رفع مشکلات فقهی سرزمین‌های مفتوحه و تطبیق احکام زمین‌های خراجی با شرع نگاشته شده‌اند.

خرāj‌نگاری‌های محلی - جغرافیایی نیز توسط مورخان و به سبک تاریخی و توصیفی، با رویکرد محلی - جغرافیایی نسبت به مسئله خراج و با هدف تاریخ‌نگاری و به وجود آوردن متنی تاریخی در موضوع خراج نوشته شده‌اند.

این سه سبک خراج‌نگاری، از لحاظ محتوایی با توجه به عنوان عام «الخراج» تنها محدود به بحث خراج نبوده‌اند بلکه دیگر مسائل مالی دولت اسلامی، فتوح و نیز مباحث مربوط به تاریخ محلی و جغرافیایی را نیز شامل می‌شده‌اند. با توجه به روایات نقل شده از آثار تألیفی هر سه سبک خراج‌نگاری‌ها در منابع بعدی، باید گفت که این آثار کاربرد تاریخی و فقهی - حدیثی داشته‌اند. در ارتباط با کاربرد تاریخی این آثار، بحث فتوح، مسائل مالی مختلف و ذکر مواضع جغرافیایی مورد توجه بوده است. کاربرد تاریخی این آثار بیشتر در کتاب‌های تاریخی محلی و جغرافیایی مورد استناد مورخان قرار گرفته است. علاوه بر مورخان، فقیهان نیز از جمله مباحثی که مدنظر داشته‌اند، مسائل مالی به‌ویژه خراج بوده است.

اکثر آثار نگارشی در باب خراج، مربوط به حوزه جغرافیایی عراق و محدوده زمانی قرن دوم تا پایان قرن پنجم می‌باشد که این امر متأثر از وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر منطقه عراق در این محدوده زمانی می‌باشد.

خرāj‌نگاری‌های فقهی - سیاسی و فقهی - حدیثی، به‌واسطه اهمیت خراج به‌عنوان یکی از مهمترین مسائل سیاسی و فقهی و بحث کاربردی بودن آنها برای حاکمیت، بیشترین آثار تألیفی (۳۲ اثر) را به خود اختصاص داده‌اند و این مسئله نشانگر آن است که حاکمیت، نقش مؤثری در تألیف این آثار داشته است. اما نویسندگان سبک محلی - جغرافیایی، صرفاً با هدف اخبارنویسی و تاریخ‌نگاری و ثبت اثری تاریخی در مورد خراج مناطق مختلف جغرافیایی دست به نگارش این آثار زده‌اند، بنابراین دستگاه حاکمیت نقشی در تدوین این آثار نداشته است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آئینه‌وند، صادق، *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، تهران، ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ ۲، ۱۳۸۷.
۳. ابن السّاعی، علی بن أنجب، *الدر الثمین فی أسماء المصنفین*، تحقیق أحمد شوقی، تونس، دار الغرب الاسلامی ۱۴۳۰، ق - ۲۰۰۹ م.
۴. ابن العدیم، عمر بن أحمد، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، محقق سهیل زکار، ج ۱، بی‌جا، دار الفکر، بی‌تا.
۵. ابن الفوطی، عبدالرزاق بن أحمد، *مجمع الآداب فی معجم الألقاب*، محقق محمد الکاظم، ایران، وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۶ ق.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *المنتظم*، ج ۷، بیروت، دار صادر، ۱۳۵۸.
۷. ابن خلدون، *دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب ...*، محقق خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ ق - ۱۹۸۸ م.
۸. ابن خلکان، أحمد بن محمد، *وفیات الأعیان*، محقق إحسان عباس، ج ۲ و ۶، بیروت، دار صادر، ۱۹۰۰.
۹. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، *الاستخراج لاحکام الخراج*، تصحیح سید عبدالله الصدیق، بیروت، دار المعرفه، بی‌تا.
۱۰. ابن زنجویه، حمید بن مخلد، *الأموال*، تحقیق شاکر ذیب فیاض، السعودية، مرکز الملك فيصل للبحوث والدراسات الإسلامية، ۱۴۰۶ ق - ۱۹۸۶ م.
۱۱. ابن شبه، عمر بن شبه، *تاریخ المدینة*، حقه فهیم محمد شلتوت، ج ۱، جده، طبع علی نفقة السيد حبيب محمود أحمد، ۱۳۹۹ هـ.
۱۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *معالم العلماء*، عباس اقبال، طهران، بی‌تا، ۱۳۵۳.
۱۳. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، *الفخری فی الآداب السلطانية*، محقق عبدالقادر محمد مایو، بیروت، دار القلم العربی، ۱۴۱۸ ق - ۱۹۹۷ م.
۱۴. ابن عساکر، علی بن الحسن، *تاریخ دمشق*، محقق عمرو بن غرامة العمروی، ج ۱، بی‌جا، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق - ۱۹۹۵ م.
۱۵. ابن ماکولا، علی بن هبة الله، *الإكمال فی رفع الارتیاب عن المؤلف*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق - ۱۹۹۰ م.

۱۶. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۱۷. أبوغیید، القاسم بن سلام، *الأموال*، محقق خلیل محمد هراس، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۸. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، *الخروج*، بیروت - لبنان، دار المعرفه، بی تا.
۱۹. اجتهادی، ابوالقاسم، *وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان*، تهران، انتشارات صداوسیما، ۱۳۶۳.
۲۰. البغدادی، إسماعیل پاشا، *هدیه العارفين*، ج ۱، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۵۱ م.
۲۱. البکری، عبدالله بن عبدالعزیز، *معجم ما استعجم*، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. بلاذری، أحمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، تحقیق د. یوسف علی طویل، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸ م.
۲۳. جهشیاری، محمد بن عبدوس، *الوزراء و الكتاب*، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، قاهره، التنفيذ و الطباعة، شركة الامل للطباعة و النشر، ۲۰۰۴ م.
۲۴. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، *کشف الظنون*، ج ۶، بیروت - لبنان، دار الفکر، ۱۴۳۱ - ۱۴۳۲ ق.
۲۵. حموی، شهاب الدین ابو عبدالله، *معجم الأدباء*، ج ۴، ۸، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق - ۱۹۹۱ م.
۲۶. حموی، شهاب الدین ابو عبدالله، *معجم البلدان*، ج ۱، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.
۲۷. الحورانی، یاسر عبدالکریم، *منابع مبراث اقتصادی اسلام*، ترجمه مجید مرادی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهارم (۱۹۸ - ۱۷۴)، قم، ۱۳۸۳.
۲۸. خطیب بغدادی، أحمد بن علی، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
۲۹. الداودی، احمد بن نصر، *الأموال*، تحقیق رضا محمد سالم شحاده، بیروت، بی نا، ۱۴۲۹ ق.
۳۰. الدوری، عبدالعزیز، *العصر العباسی الاول: دراسة فی التاريخ السیاسی و الاداری و المالی*، بیروت، دار الطلیع، للطباعة و النشر، ج ۲، ۱۹۸۸.
۳۱. الدوری، عبدالعزیز، *تاریخ العراق الاقتصادي فی القرن الرابع الهجری*، بیروت، دار المشرق، ج ۲، ۱۹۷۴.
۳۲. الدوری، عبدالعزیز، *مقدمه فی التاريخ الاقتصادي العربی*، بیروت، دار الطلیع، ج ۳، ۱۹۸۲.
۳۳. ذهبی، محمد بن أحمد، *تاریخ الإسلام*، محقق بشار عواد معروف، بی جا، دار الغرب الإسلامی، ۲۰۰۳ م.

۳۴. ذهبی، محمد بن أحمد، *سیر أعلام النبلاء*، القاهرة، دار الحديث، ۱۴۲۷ ق - ۲۰۰۶ م.
۳۵. رضوی، سید ابوالفضل، «درآمدی بر تاریخ‌نگاری اقتصادی»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ش ۵، (۹۳ تا ۱۱۸)، سیستان، ۱۳۸۸.
۳۶. ال‌ریس، ضیاء‌الدین، *خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی*، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳.
۳۷. سزگین، فواد، *تاریخ تکرارهای عربی (قرآن، حدیث، تاریخ، فقه، عقاید)*، ج ۱، ترجمه مهران ارزنده و شیرین شادفر، تهران، مؤسسه نشر فهرستگان و خانه کتاب، ۱۳۸۰.
۳۸. شکوری، ابوالفضل، *درآمدی بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مسلمانان*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۰.
۳۹. صابی، هلال بن المحسن، *رسوم دار الخليفة*، محقق میخائیل عواد، بیروت، دار الرائد العربی، ۱۹۸۶ م.
۴۰. الصفدی، خلیل بن ایبک، *الوافی بالوفیات*، باعناء محمد الحجیری، ج ۲۲، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۱ ق - ۱۹۹۱ م.
۴۱. صفری آق‌قلعه، علی، «بررسی کتابشناسانه آثار استیفاء در دوره اسلامی»، *پیام بهارستان ویژه‌نامه مالیه و اقتصاد*، ش ۱، (۹۵ - ۱۱)، ۱۳۹۲.
۴۲. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم والملوک*، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۷.
۴۳. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، محقق أحمد شاکر، ج ۱۹، بی‌جا، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰ ق - ۲۰۰۰ م.
۴۴. طهرانی، آقابزرگ، *الذریعه*، ج ۷، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۶۷.
۴۵. عزیزی، حسین، *نقد و بررسی منابع تاریخ فتوح*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۴۶. العلی، صالح احمد، *الخراج فی العراق فی العهود الاسلامیة الاولی*، بغداد، مطبعه المجمع العلمی العراقی، ۱۴۱۰ ق - ۱۹۹۰ م.
۴۷. فیومی، أحمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، بیروت، المكتبة العلمیة، بی‌تا.
۴۸. قدامة بن جعفر، *الخراج و صناعة الكتابة*، بغداد، دار الرشید، ۱۹۸۱ م.
۴۹. قرشی، یحیی بن آدم، *الخراج*، بیروت - لبنان، دار المعرفه، بی‌تا.
۵۰. القزوینی، زکریا بن محمد، *آثار البلاد و أخبار العباد*، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

۵۱. قفطی، علی بن یوسف، *إخبار العلماء بأخبار الحكماء*، محقق إبراهيم شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۶ ق - ۲۰۰۵ م.
۵۲. قلقشندی، أحمد بن علی، *صبح الأعشى*، ج ۶، دمشق، دار الفکر، ۱۹۸۷.
۵۳. قمی، حسن بن محمد، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن عبدالملک قمی، تصحیح سید جلال الدین طهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱.
۵۴. کاتبی، غیدا خزنه، *خراج از آغاز فتوح اسلامی تا میانه قرن سوم هجری*، ترجمه حسین منصوری، تهران، سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۳.
۵۵. گردیزی، عبدالحی بن ضحاک، *تاریخ گردیزی*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، ناشر دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۵۶. ماوردی، علی بن محمد، *احکام السلطانیة*، مصر، شرکه مکتبته و مطبعه، ۱۳۹۳ ق - ۱۹۷۳ م.
۵۷. مخزومی، علی بن القاضی، *المنهاج فی احکام خراج مصر*، به کوشش کلود کاهن، یوسف راغب، بی جا، بی نا، ۱۹۸۶ م.
۵۸. مدرسی طباطبائی، حسین، *زمین در فقه اسلامی*، ج ۲، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.
۵۹. المرزوقی، أحمد بن محمد، *الأزمة والأمكنة*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
۶۰. مقریزی، أحمد بن علی، *المواعظ والاعتبار*، ج ۲، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق.
۶۱. نجاشی، احمد بن علی، *الرجال*، بی جا، مرکز نشر کتاب، بی تا.
۶۲. الهارونی، أحمد بن الحسین، *شرح التجرید فی فقه الزیدیه*، ج ۲، تحقیق محمد یحیی عزان، یمن، مرکز البحوث و التراث، بی تا.
63. Tabatabai, HosseinModarresi, *kharaj in Islamic Law*, London: {n. pb.}, 1983